

«ملی بس به وزن آهن» فساد تصدی ملی بس را از کار انداخته است



صفحه ۳

رییس‌جمهور ضمن تأکید بر امضا نشدن تفاهنامه با آی‌اس‌آی:

پس از مشورت‌ها رییس امنیت تفاهنامه با پاکستان را امضا خواهد کرد



رییس‌جمهور غنی می‌گوید که میان ارگان‌های استخباراتی پاکستان و افغانستان تا اکنون تفاهنامه‌یی به امضا نرسیده است. محمد اشرف غنی در قصر مندیگک ولایت قندهار با بزرگان آن ولایت دیدار کرد و در مورد تفاهنامه استخباراتی با پاکستان و مذاکرات صلح با مخالفان حکومت به آنان توضیح داد. آقای غنی گفت که پس از بروز جنجال‌ها در مورد تفاهنامه استخباراتی میان افغانستان و پاکستان، خود مدیریت این موضوع را در دست گرفته و در زمینه با اقشار مختلف کشور مشورت کرده است.

رییس‌جمهور غنی گفت که این تفاهنامه تا اکنون به امضا نرسیده است؛ اما افزود که با توجه...

ادامه صفحه ۶

مجلس سنا:

پس از ده روز دیگر مجلس نمایندگان مشروعیت ندارد



پیش از آن‌که پیمان امنیتی با امریکا و ناتو از سوی مجلس تایید شود؛ سفارت امریکا در کابل مهمانی ترتیب داده بود و در آن مهمانی از نمایندگان دعوت کرده است تا به دو پیمان...
ادامه صفحه ۶

او هشدار داد: «در صورتی که تاریخ انتخابات مشخص نشود، ما کارکردهای مجلس نمایندگان را بر اساس قانون نمی‌پذیریم.»
به گفته او، شرط اساسی ادامه کار مجلس نمایندگان پس از اول سرطان برگزاری انتخابات است.
زلمی زابلی عضو دیگر مجلس سنا نیز خاطرنشان کرد که ادامه کار مجلس نمایندگان بدون برگزاری انتخابات، جفا در حق ملت و آرای ملت است.
آقای زابلی با ذکر آن‌که سفیر امریکا در قبال تایید پیمان امنیتی به نمایندگان وعده تمدید یکساله دوره کاری مجلس را داده است، افزود: «پس از اول سرطان هر قانونی که به مجلس سنا باید اعتبار ندارد و ما مجلس نمایندگان را به رسمیت نمی‌شناسیم.»

رییس مجلس سنا هشدار می‌دهد تا زمانی که تاریخ انتخابات پارلمانی مشخص نشود، ادامه کار مجلس نمایندگان مورد قبول مجلس سنا نخواهد بود.
فضل‌هادی مسلم یار رییس مجلس سنا گفت: «دوره کاری مجلس نمایندگان ۱۲ روز بعد بر اساس قانون اساسی به پایان می‌رسد؛ اما متأسفانه غیرقانونی شدن آن، تأثیر مستقیم بالای کار مجلس سنا می‌گذارد.»
آقای مسلم یار افزود: خواست مجلس سنا از رییس‌جمهور و رییس اجرایی حکومت این است که دو یا سه ماه بعد باید به هر شکل ممکن انتخابات پارلمانی را برگزار کنند و یا هم تاریخ انتخابات را مشخص نمایند.

در برگ‌ها



دولت
وحدت ملی
معلق میان
گذشته
و آینده

پایان بازی



ساعدی؛
روایت
ناتمام

امضای سند
همکاری‌ها میان
کابل و دوشنبه



کندز با فاجعه انسانی روبرو است



دختر نوزادش را نشان می‌دهد و می‌گوید: «ما خانه، مویشی و زراعت خود را دقیقاً پیش از فصل برداشت حاصلات رها کردیم. ما اینجا بی‌خانه، تشنه، گرسنه و منتظر کمک هستیم.»
عبدالقادر، دهقان ۴۵ ساله از همین ولسوالی، تکه چوبی به دست گرفته و وضعیت را در روی زمین به تصویر می‌کشد: «طالبان در یک طرف بودند و ملیشه‌های دولتی در طرف دیگر، و ما در وسط گیر مانده بودیم.»...
ادامه صفحه ۶

رنج‌ها و آسیب‌های عملیات بزرگ طالبان در ولایت کندز را غیرنظامیان تحمل می‌کنند و این ولایت به محل اصلی نبرد در فصل جنگی کنونی تبدیل شده است که احتمالاً خونین‌ترین فصل در یک دهه گذشته خواهد بود.
کندز شاهد یک بحران بشری است و هزاران خانواده در چرخه خشونت ناشی از افزایش شورشگری در این ولایت شمالی افغانستان گیر مانده‌اند.
به گزارش خبرنگاری فرانسه، برخی افراد غیرنظامی مانند مولودین از خشونت فرار کرده و به شهر کندز آواره شده‌اند. آن‌ها در زیر خیمه‌ها در مکان‌های نامناسب پناه گزین شده‌اند. مولودین همراه با شش فرزند و خانمش از ولسوالی چهاردره فرار کرده است. فرزند هفت ماهه او در جنگ میان طالبان و نیروهای حامی دولت هدف اصابت گلوله قرار گرفت و زخمی شد.
مولودین که یک دهقان ۴۶ ساله است، زخم‌های

دفتر میدیوتیک:

خبرنگاری پژوهشی را جدی بگیریم



دفتر رسانه‌یی میدیوتیک، با برگزاری یک کارگاه چهارروزه آموزشی، برای شماری از خبرنگاران، خبرنگاری پژوهشی را آموزش داد.
در این کارگاه آموزشی، خبرنگاران شماری از رسانه‌های فعال در کابل اشتراک کرده بودند.
محمد عاطف فقیرزاده هماهنگ‌کننده مرکز اجتماعی رسانه‌یی میدیوتیک در کابل...
ادامه صفحه ۶

سخن ماندگار

داکتر عبدالله

به دنبال آب حیات در دوشنبه

رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، داکتر عبدالله به تاجیکستان رفته تا با سران همسایه شمالی کشور بار دیگر رشته روابط را مستحکم کند. داکتر عبدالله و امام علی رحمان، رییس جمهور تاجیکستان، حرف‌های ناگفته بسیاری برای یکدیگر دارند؛ از امنیت گرفته تا مسأله مواد مخدر، همکاری‌های اقتصادی و روابط فرهنگی، همه و همه حلقه‌های وصلی‌اند که کابل و دوشنبه را مانند دو سرزمین دوست و برادر به یکدیگر پیوند می‌زند. فرصت‌ها و تهدیدات مشترک بسیاری را می‌توان میان دو کشور انگشت‌نشان کرد که هر کدام به نحوی سرنوشت دو کشور را به یکدیگر گره زده است.

وابسته‌گی‌ها و اشتراکات بسیار میان افغانستان و تاجیکستان، در روابط گرم میان داکتر عبدالله و امام علی رحمان هم به خوبی نمایان است. اگر دیدار و گفته‌های میان این دو رهبر را در یک کلام خلاصه کنیم، فقط می‌توان گفت که هر دو کشور خواهان توسعه روابط با یکدیگر و مقابله مشترک با تهدیدات مشترک هستند. این موضوع در سخنان آقای رحمان به خوبی قابل لمس است: «تاجیکستان همیشه جانب‌دار همکاری متقابلاً سودمند دوجانبه با کشور دوست و برادر افغانستان بود، هست و خواهد ماند. ما کوشش به خرج می‌دهیم که این مناسبت‌ها همیشه در سطح بلند و جویاگی منافع هر دو جانب باشند. در بین کشورهای منطقه ما به همکاری با کشور شما علاقه‌مندی خاص داریم».

داکتر عبدالله هم جایگاه تاجیکستان را در روابط خارجی افغانستان بسیار مهم خوانده و با اشاره به این که حضورش در دوشنبه، اولین سفر خارجی رسمی او به شمار می‌آید، اهمیت جایگاه تاجیکستان در سیاست خارجی کشور را به خوبی نشان داده است. علاوه بر مباحث امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان دو کشور، تاجیکستان و سایر کشورهای حوزه آسیای میانه از نظر منابع انرژی برای افغانستان و کشورهای جنوب آسیا از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است. از همین رو هم در این سفر داکتر عبدالله به‌شخصه برای اشتراک در نشست بین‌المللی «آب برای حیات» در تاجیکستان اشتراک کرده است، تا هم برای آب‌های فرامرزی کشور دادخواهی کند و هم در دیدارهای حاشیه‌یی آن، فرصت‌های جدیدی را برای افغانستان جست‌وجو کند.

همایش بین‌المللی مربوط به ده‌ساله «آب برای حیات»، کنفرانسی است که در سطح عالی از ۹ تا ۱۱ جون در شهر دوشنبه دایر می‌شود. در این نشست، نماینده‌گان حدود صد کشور و نزدیک به ۳۰ سازمان بین‌المللی با حضور بان‌کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد شرکت می‌کنند که هدف اصلی آن ارزیابی نتایج برنامه‌های مربوط به ده‌ساله «آب برای حیات» (۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵) است. این برنامه یک دهه قبل با پیشنهاد دولت تاجیکستان از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده بود.

در این نشست انتظار می‌رود که داکتر عبدالله در حضور نماینده‌گان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، برای به‌دست آوردن حقوق و سهم افغانستان از آب‌های منطقه‌یی و فرامرزی دادخواهی کند. چنانچه گفته می‌شود که نظام توزیع ذخایر آب میان پنج کشور آسیای میانه که در زمان اتحاد شوروی ایجاد شده و بعد از فروپاشی شوروی مورد تأیید دوباره آن‌ها قرار گرفته است، شامل افغانستان نمی‌شود. در نتیجه، بر اساس گزارش‌ها این کشور از سهم خود از ذخایر آب رودخانه آمو - بزرگترین رودخانه در منطقه - تقریباً بی‌بهره است. این در حالی است که سرچشمه اصلی این دریا، کوه‌های شمال شرقی افغانستان می‌باشد.

به جز برخی شاخه‌های دریای کابل که از مناطق چترال پاکستان به دریای کنر می‌ریزد، افغانستان خود سرچشمه بسیاری از دریاها بزرگ و کوچک است. به صورت مشخص، از پنج حوزه دریای بزرگ، سه حوزه کابل، ایندوس، هلمند و هریرود-مرغاب به ترتیب به کشورهای همسایه یعنی پاکستان، ایران و ترکمنستان می‌ریزند و حوزه آبی آمودریا هم که بیشتر از آن سخن رفت، تنها به عنوان مرز طبیعی میان افغانستان با کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان شناخته می‌شود. به این ترتیب دیده می‌شود که قسمت عمده‌یی از آب‌های افغانستان به بیرون از مرزهای کشور می‌ریزند.

بر اساس آمارهای جهانی، افغانستان با وجود این که از منابع آبی قابل توجهی برخوردار است و ظرفیت آبی این کشور به‌طور متوسط معادل ۷۵ میلیارد متر مکعب در سال برآورد شده است؛ اما از لحاظ ظرفیت ذخیره آب در پایین‌ترین سطح در جهان قرار دارد. از سوی دیگر گفته می‌شود که این کشور به جز از معاهده تقسیم آب حوزه دریای هلمند با ایران، هیچ نوع توافق‌نامه تقسیم آب‌های فرامرزی با هیچ کدام از کشورهای همسایه امضا نکرده که این نشان‌دهنده نهایت اغماض و سهل‌انگاری حکومت در قبال مسأله‌یی به این مهمی است.

این در حالی است که افغانستان خود به عنوان کشوری زراعت‌پیشه، بیش از هر چیز دیگری به منابع آبی غنی نیاز دارد. حوزه دریاهای فرعی موجود در کشور که رقم آن‌ها به ۳۶ حوزه می‌رسد هم به علت بی‌پروایی حکومت و چالش‌های فرارو، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از چالش‌های عمده فراروی استفاده بهینه از این منابع آبی، فاصله میان زمین‌های زراعتی با مجاری این آب‌های طبیعی است که در شرایط طبیعی، کار را برای سود جستن از آن دشوار کرده است. دولت جدید هم متأسفانه در ۱۴ سال گذشته کمتر به این چالش‌ها توجه کرده است.

فقدان ظرفیت فنی و تخنیکی، ناتوانی در بهره‌برداری از منابع آب، توسعه ضعیف زیرساخت‌های منابع آب، نبود اطلاعات دقیق و تازه و فقدان یک سیاست روشن، از ضعف‌های کنونی روند توسعه و مدیریت آب در افغانستان است. همه این ضعف‌ها در حالی‌ست که موضوع آب و منابع آبی، تا کنون برای دولت‌مردان ما تبدیل به مسأله نشده است.

اگر به مسأله آب نگاهی استراتژیک کنیم، متوجه خواهیم شد که اهمیت منابع آبی به‌خصوص در منطقه خاورمیانه آنقدر زیاد است که حتی گفته می‌شود جنگ جهانی بعدی، ناگزیر بر سر منابع آبی خواهد بود. با این وجود، اما دیده می‌شود که حکومت افغانستان دست‌کم تا کنون راهکار مشخصی برای دادخواهی در قبال حقوق مسلم خود در قبال حوزه‌های آبی منطقه‌یی ارایه نکرده است. این سفر داکتر عبدالله به دوشنبه و اشتراک او در همایش بین‌المللی «آب برای حیات» شاید نشان‌گر با گرفتن روزنه‌هایی از امید در قبال مسأله حیاتی و خطیر آب است که اگر چنین باشد، می‌توان ارزش این سفر او را بیش از هر سفر خارجی دیگری دانست.

احمد عمران

دولت وحدت ملی

معلق میان گذشته و آینده



اگر پای قضاوت کردن در مورد گذشته مطرح باشد، باید قضاوت عادلانه و مبتنی بر قانون صورت گیرد؛ زیرا احتمال این هم وجود دارد که کارگزاران جدید برای این که از زیر بار مسوولیت شانه خالی کنند، انگشت انتقاد به سمت گذشته گرفته‌اند. ولی در یک مسأله اصلاً جای شک و شبهه وجود ندارد که حکومت پیشین، بیشترین بار مسوولیت را به دوش دارد. باید به چنین وضعیتی پایان داده شود. نمونه در خور تمجید آن، معرفی شش کارمند ارشد وزارت شهرسازی به اتهام اختلاس به دادستانی است. اگر در تمام عرصه‌ها این گونه برخورد شود و دست غارت‌گران از مال و دارایی مردم کوتاه شود، بدون شک می‌توان به آینده مبارزه با فساد خوش‌بین بود.

دولت جدید باید نسبت به گذشته تصفیه حساب کند. اگر چنین نشود، هیچ کسی حاکمیت قانون را به رسمیت نخواهد شناخت. در افغانستان آنچه که به عنوان مادر مشکلات باید شناخته شود، عدم رعایت و اجرای حاکمیت قانون است. بسیاری‌ها در این کشور خود را فرا قانون می‌دانند و دست به هر کاری که خواستند، می‌زنند.

مشکلات فعلی کشور ریشه در عدم اجرای قانون دارد. حتی اگر این قوانین با کاستی‌هایی همراه اند و حتی اگر در جاهایی عدالت به گونه روشن برقرار نمی‌شود.

افغانستان نیاز دارد که با گذشته خود برخورد عادلانه و قانون‌مدارانه داشته باشد، برای این که بار گذشته نمی‌گذارد گام‌های مطمئن و قوی به سوی آینده برداشته شود. کم کردن این بار به معنی رفتن به سوی تغییر و تحول است؛ آنچه را که هر دو رهبر فعلی دولت در شعارهای انتخاباتی خود سر می‌دادند. اگر رهبران جدید نتوانند بار گذشته را سبک کنند، بدون شک افغانستان باز هم دچار همان وضعیتی خواهد شد که حالا کارگزاران جدید را به نقد واداشته است.

می‌شود، بدون شک حاوی حقایقی از وضعیت موجود افغانستان است؛ وضعیتی که تا دیروز به‌صورت مبالغه‌آمیزی خوب نشان داده می‌شد و تمام اراکین دولت از رییس‌جمهوری گرفته تا دیگر حقوق‌بگیران دربار سلطان در وصف آن چه چه و به به می‌گفتند، اما حالا با رفتن آن افراد مشخص شده که در هیچ زمینه‌یی گام درست و اساسی برداشته نشده است.

عین این سخنان را از زبان وزیر معارف در روزی که از سوی مجلس نماینده‌گان به این مجلس فراخوانده شده بود هم می‌شد شنید. اسدالله بلخی وزیر معارف افغانستان از بی‌عدالتی و چور و چپاول در بخش معارف افغانستان خبر داد و گفت که بی‌سروسامانی در این وزارت بیداد می‌کند. این در حالی است که در وزارت معارف افغانستان پیش از این، دو تنی مسوولیت داشته‌اند که به مدیریت‌شان افتخار می‌شود و آن‌ها را به عنوان مدیران درجه یک کشور می‌شناسند. وقتی وضعیت در این دو وزارت کلیدی کشور چنین باشد، بدون شک در دیگر عرصه‌ها و وزارت‌خانه‌ها وضع از این بدتر هم خواهد بود. وقتی مدیران ارشد چنین مدیریت کرده باشند، آنانی که به عدم مدیریت شهره بوده‌اند، چه دسته‌گل‌هایی به آب داده باشند. در نتیجه می‌توان سخنان وزیران معادن و معارف را مشت نمونه خروار دانست و نسبت به حکومت گذشته قضاوت کرد.

اما تنها قضاوت در مورد کارکرد حکومت گذشته کافی نیست. این افراد در طی بیشتر از سیزده سال، یک کشور و یک ملت را فریب داده‌اند. آن‌ها در این مدت با نشان دادن باغ‌های سرخ و سبز، کمک‌هایی را که برای بازسازی کشور از سوی جامعه جهانی ارایه شد، حیف‌ومیل کردند. آن‌ها سیزده سال را به غارت و چپاول مشغول بوده‌اند و حالا نمی‌توان فقط به قضاوت کردن در موردشان دل‌خوش کرد.

سخنان وزیر معادن و پترولیم کشور در مورد آنچه که ثروت ملی افغانستان خوانده می‌شود، به‌شدت قابل تأمل و بررسی است.

سال‌ها پیش وقتی حامد کززی رییس‌جمهوری پیشین از افغانستان مرفه سخن می‌گفت، اشاره‌اش به منابع طبیعی و زیرزمینی کشور بود. او در یکی از سخنرانی‌های خود گفت که مردم افغانستان روی ثروتی زنده‌گی می‌کنند که حتی به حساب نمی‌گنجد.

آقای کززی حتی یک رقم نجومی در مورد ذخایر زیرزمینی افغانستان ذکر کرد که واقعاً حیرت‌آور بود. اما چند سال نگذشته از آن سخنان، وزیر تازه معادن و پترولیم کشور می‌گوید که معادن افغانستان، این کشور را به سوی مصیبت می‌برد. به گفته داکتر داوودشاه صبا وزیر معادن و پترولیم، این وزارت توانایی مدیریتی بسیار ضعیف دارد و قادر نیست از ۳۳۹ قراردادی که در عرصه استخراج معادن امضا شده، صد قرارداد را نظارت کند.

آقای صبا می‌گوید که چپاول در معادن کشور جریان دارد و بخشی از معادن قرارداد شده در مناطقی موقعیت دارند که حتی فرماندهان پولیس آن ولایت‌ها هم قادر به رفتن به آن مناطق نیستند. آقای صبا با این سخنان می‌خواهد بگوید که برخی از قراردادها با کسانی امضا شده که به عنوان مافیای معادن از آن‌ها نام گرفته می‌شود. در همین حال، آقای صبا از جنگ بر سر معادن کشور نیز سخن می‌گوید. به گفته او، داعش تلاش می‌کند که به معادن افغانستان دسترسی پیدا کند. آقای صبا یکی از عوامل تشدید ناامنی‌ها را به معادن افغانستان ربط می‌دهد. آقای صبا از قوانین نافذه در مورد معادن نیز انتقاد می‌کند و می‌گوید این قوانین افزون بر این که تفسیرهای متعددی را می‌پذیرند، با چند اگر هم توأم شده‌اند. این سخنان وقتی از زبان یک مسوول درجه یک عرصه معادن کشور بیرون

«ملی بس به وزن آهن»

فساد تصدی ملی بس را از کار انداخته است

احمد سبیر یزدانی

سهل انگاری مسوولان تصدی ملی بس و وزارت ترانسپورت و عدم پیگیری پرونده متهمان فساد در این تصدی، بس دولتی را با رکود مواجه کرده است. براساس گفته‌های مسوولان، ۹۳۱ بس را در سیزده سال پسین شماری از کشورها به صورت کمک بدون بازپرداخت به افغانستان سپرده اند و ۱۲۳ بس دیگر نیز از سیزده سال قبل در این تصدی موجود بود که به دلیل نبود مدیریت سالم، فساد اداری، نبود راننده، نبود «سب ساییدی» از سوی وزارت مالیه و مشکلات امنیتی در این تصدی این نهاد را فلج کرده است.

روزهای زار تصدی ملی بس

احمد نذیر رضایی رییس تصدی ملی بس کابل، اداره ضعیف، فروش آهن آلات موتورها، سوء استفاده در قراردادهای تیل و فساد در خرید پرزه جات موتورها را از جمله عواملی می‌داند که در سال‌های گذشته، گریبان‌گیر این اداره بوده است. او می‌گوید: «یک و نیم سال می‌شود که به عنوان رییس تصدی ملی بس کابل وظیفه اجرا می‌کنم؛ در این مدت تصدی ملی بس را در ولایت غزنی دوباره فعال کرده‌ام و هم‌چنان به‌زودی موتورها ملی بس غیر فعال سایر ولایات را فعال خواهیم کرد».

این در حالی است که آقای رضایی رییس فعلی تصدی ملی بس می‌گوید: در گذشته، ۶۰ الی ۷۰ درصد فساد در این اداره وجود داشته است.

با تماس‌های پیهم غلام حضرت خان رییس پیشین تصدی ملی بس حاضر به مصاحبه با ما نشد.

در همین حال، عبدالقادر جیلانی سخنگوی وزارت مالیه، فروش غیرقانونی پرزه‌جات بس‌ها را رد کرده می‌گوید: وزارت مالیه در سال ۱۳۸۹ برای اولین بار آهن کهنه‌های موتورها فرسوده را با اشتراک یک هیأت مشترک از وزارت‌های اقتصاد، مالیه و ارگان‌های قضایی به مبلغ چهل و دو میلیون افغانی به فروش رسانده که این پول به حساب دولت واریز شده است.

آقای جیلانی می‌گوید: مبلغ یاد شده، دوباره به تصدی ملی بس داده خواهد شد تا این تصدی بتواند موتورها خود را دوباره ترمیم کند.

هم‌چنان، مسوولان آمریت‌های تصدی ملی بس در ولایات مختلف کشور از نحوه فعالیت این تصدی راضی نیستند.

محمد داوود یزدانی آمر تصدی ملی بس ولایت بامیان می‌گوید: «در آمریت تصدی ملی بس ولایت بامیان، دوازده عرادۀ موتور ملی بس موجود است که هشت عرادۀ آن فعال و متباقی بر اثر عوارض سنگین غیر فعال می‌باشد».

اما، نذیر احمد رضایی رییس تصدی ملی بس می‌گوید که در ولایت بامیان ۱۰ عرادۀ موتور بس شهری، فعالیت دارد.

در این حال، بصیر عزیززی سخنگوی دادستانی کل می‌گوید: تا حال چندین شکایت فساد از سوی اداره مبارزه در برابر فساد اداری به این اداره فرستاده شده که نشان می‌دهد این فساد از سوی مسوولان قبلی این تصدی صورت گرفته و در حال حاضر، یک پروندۀ فساد در تصدی ملی بس به محاکم فرستاده شده و یک پروندۀ دیگر در حال بررسی است.

مسوولان در اداره مبارزه در برابر فساد اداری نیز موجودیت فساد در ریاست تصدی ملی بس را تایید می‌کنند، وحیدالله زاهد سخنگوی این اداره می‌گوید: اختلاس، تجاوز از صلاحیت‌ها و تخلفی در قراردادهای از جمله موارد مهمی است که تا حال در تصدی ملی بس صورت گرفته و پرونده‌های‌شان از طرف اداره مبارزه در برابر فساد اداری به دادستانی کل فرستاده شده است.

سخنگوی اداره مبارزه در برابر فساد اداری می‌گوید که پروندۀ افراد آغشته به فساد که از سوی این اداره به دادستانی فرستاده می‌شود، به وقت اجرا نمی‌گردد. اما، بصیر عزیززی سخنگوی دادستانی کل می‌گوید: شماری از این پرونده‌ها قابل بررسی نمی‌باشند، چون تنها ادعا می‌شود و اسناد موثقی وجود ندارد و بعضی از پرونده‌هایی که هم‌که قابلیت اجرا را دارا بوده اند در این مدت از سوی دادستانی بررسی شده است.

برعلاوه فساد اداری مدیریت ضعیف در تصدی ملی بس یکی دیگر از مشکلات این سکتور ترانسپورتی است، نذیر احمد رضایی رییس تصدی ملی بس در این پیوند می‌گوید: در حال حاضر، ولایت‌های خوست، دایکندی، نیمروز، غور، هلمند و ارزگان خدمات ترانسپورتی شهری بنابر دلایل امنیتی و نبود مدیریت سالم متوقف است.

آقای رضایی می‌افزاید: افغانستان در حال حاضر به بیش از چهارهزار موتور بس شهری نیاز دارد.

در سیزده سال گذشته، ایران، هند، پاکستان، جاپان و ایتالیا به تعداد ۹۳۱ عرادۀ ملی بس را به افغانستان کمک کرده اند. بر بنیاد گفته‌های رییس ریاست تصدی ملی بس، هند به تعداد ۶۴۰، ایران ۵۰، پاکستان ۱۰۰، جاپان ۱۰۷ و ایتالیا ۳۴ عرادۀ

ملی بس را کمک کرده اند که این بس‌ها در بیست و یک ولایت کشور فرستاده شده است.

اما، صالح محمد حساس آمر تصدی ملی بس ولایت بلخی برخلاف گفته‌های رییس تصدی ملی بس می‌گوید: سهمیه این ولایت ۴۱ بس شهری است که در ۱۹ لین شهری فعالیت می‌کند؛ اما، بنابر فشار زورمندان محلی و سکتور خصوصی این تصدی در ولایت بلخ در هفت لین شهری فعالیت دارد.

محمد داوود یزدانی آمر تصدی ملی بس ولایت بامیان نیز سهمیه این ولایت را دوازده موتور می‌گوید؛ این درحالی‌ست که نذیر احمد رضایی رییس تصدی ملی بس سهمیه ولایت بلخ را ۴۴ عرادۀ از بامیان را ۱۵ عرادۀ ذکر می‌کند.

بر بنیاد اسنادی که از سوی ریاست تصدی ملی بس در اختیار ما قرار گرفته، وضعیت وسایط کمک شده در سال‌های گذشته، تمام وسایط قبلی ریاست تصدی ملی بس در مرکز و ولایات کشور به ۱۰۵۴ عرادۀ می‌رسد.

ساعت‌ها انتظار برای آمدن بس

شهروندان در مرکز و ولایات مختلف کشور از ارایه خدمات ترانسپورتی شهری از سوی تصدی ملی بس راضی به نظر نمی‌رسند.

محمد علی شهروند ولایت کابل می‌گوید: در گذشته، موتورها بس دولتی در اکثر مسیرهای پایتخت فعالیت داشت؛ اما، حالا در برخی از مسیرهای شهر، ملی بس

وجود ندارد و مردم از موتورها خصوصی، استفاده می‌کنند، او می‌گوید: «باید ساعت‌ها منتظر یک بس دولتی بود تا مسافران را به مقصد برساند».

کریم شهروند دیگر کابل می‌گوید: «اکثر موتورهایی که در حال حاضر، در کابل فعالیت می‌کنند فرسوده شده اتع و باید دوباره ترمیم شوند و یا موتورها جدید به عوض آن استفاده شود».

وحید الله زاهد سخنگوی اداره مبارزه در برابر فساد اداری می‌گوید: «کشورهای زیادی در طول این مدت به افغانستان ملی بس کمک کرده اند، اما از آن‌ها به خوبی نگهداری نشده و در مدت بسیار کم، فرسوده شده اند».

فعال شدن ترانسپورت خصوصی

فرسوده شدن موتورها بس شهری حالا زمینه را به ترانسپورت بخش خصوصی زیادتر مساعد ساخته است. در حال حاضر در اکثر مسیرهای شهری در مرکز و ولایات موتورها بخش خصوصی فعالیت دارند و فعالیت ملی بس در ترانسپورت شهری روز به روز کم‌رنگ شده است.

عبدالقهار رییس انسجام و انکشاف ریاست ترانسپورت شهری وزارت ترانسپورت می‌گوید: در کابل هفتاد الی هشتاد مسیر ترانسپورتی شهری وجود دارد که بنابر گفته رییس ریاست تصدی ملی بس در حال حاضر وسایط این تصدی فقط در هفت لین فعالیت دارند.

No	ولایت	سهمیه مرکز ولایت	جدول وسایط فعال و غیر فعال ریاست تصدی ملی بس در مرکز و ولایات مختلف کشور						
			وسایط فعال	وسایط غیر فعال	وسایط عمده	وسایط غیر اقتصادی	وسایط تخریب شده	وسایط سابقه	غیر فعال
1	کابل	619	100	181	216	60	47	11	4
2	بلخ	44	21	10	10	1	2	2	
3	ننگرهار	28	1	1	1	1	1	1	
4	بغلان	19	8	2	2	7	7		
5	جوزجان	19	8	4	4	7	7		
6	قندهار	55	21	10	7	2	14	1	
7	پروان	9	5	1	2	1	1	1	
8	بامیان	15	10	2	1	9	1	1	
9	هرات	55	44	9	2	1	9	1	
10	کندهار	18	5	2	2	1	1	1	
11	پکتیا	13	8	4	4	1	1	1	
12	ننګرهار	19	9	4	4	1	1	1	
13	سرپل	10	3	7	7	1	1	1	
14	غزنی	24	5	12	4	2	1	1	
15	لنجان	7	5	2	2	1	1	1	
16	فاریاب	16	4	10	4	1	1	1	
17	کاپیسا	5	4	1	1	1	1	1	
18	بدخشان	18	7	3	4	3	3	1	
19	پنجشیر	6	5	1	1	1	1	1	
20	لوگر	14	7	2	5	2	1	1	
21	کونړ	5	2	3	3	1	1	1	
22	هلمند	13	13	13	1	1	1	1	
23	خوست	5	5	5	5	5	5	5	
24	دایکندی	3	3	3	3	3	3	3	
25	نیمروز	2	2	2	2	2	2	2	
26	میدان وردک	8	6	2	2	2	2	2	
27	غور	3	3	3	3	3	3	3	
28	ارزگان	2	2	2	2	2	2	2	
29	مجموع ولایات	435	212	106	56	60	11	38	12
30	مجموع مرکز و ولایات	1054	312	287	272	60	11	85	23

علاوه بر این، مشکلاتی دیگر هم است که فعالیت تصدی ملی بس را محدود کرده، نذیر احمد رضایی رییس تصدی ملی بس در این مورد خاطر نشان می‌کند: این اداره از شهرداری بابت صفایی و از شرکت برشنا بابت برق قرض دار است و به همین سبب قادر نیست برای سیصد عرادۀ موتور این تصدی راننده بگمارد.

او تصریح می‌دارد: از آن جایی که این تصدی با مشکلات فراوان مالی روبرو است، راننده‌گان این تصدی به معاش بسیار ناچیز -سه الی چهار نیم هزار افغانی- در ماه کار می‌کنند و این تصدی هیچ راهی به جز پیدا کردن یک منبع عایداتی برای افزایش معاش این رانندگان ندارد.

در عین حال، راننده‌گان ملی بس در مرکز و ولایات نیز از نبود معاش کافی شکایت دارند. آنان می‌گویند که از سه الی چهارونیم هزار افغانی در هر ماه از سوی تصدی ملی بس معاش می‌گیرند که این معاش در مقابل نیازهای اولیه شان بسیار ناچیز است.

محمد علی که رانندۀ ملی بس است، می‌گوید: «در هر ماه پنج هزار و سیصد افغانی معاش می‌گیرم؛ از صبح الی شام در این ایستگاه فعالیت دارم و این معاش نمی‌تواند مشکلات زندگی‌ام را حل کند».

جای داده‌های تصدی ملی بس

رییس تصدی ملی بس می‌گوید که این تصدی جای داده‌های در کابل دارد که آن را به کرایه داده اند و اگر کرایه این جای داده‌ها نباشد، این تصدی با مشکلات دیگر نیز روبرو خواهد شد.

نذیر احمد رضایی رییس تصدی ملی بس، جای داده‌های این تصدی را این گونه معرفی می‌کند: «۸۹ باب دوکان به‌طرف شرق تصدی با کرایه ۱۲۴۸۷۵۰ افغانی، پانزده بسوه زمین در طرف شمال شرق کابل کرایه ۵۵۰۰۰ افغانی، حوزه سیاه سنگ و جنوب سیاه سنگ پنج لک و هفتاد شش هزار و هشتصد افغانی، چهارده بسوه زمین در شمال تصدی شش صد هزار افغانی، چهار پایه پمپ ستیشن با ذخایر آن در چهار سوی شهر، چهارلک بیست هزار افغانی، خوشحال خان شمال حوزه دوم هفتاد و هزار افغان کرایه، جکشن بس‌های برقی در کارته نو یک لک و بیست هفت هزار افغانی، تعمیر سه منزل تصدی واقع زنده بانان پنج لک و پنجاه هزار افغانی، یک پمپ ستیشن واقع در حوزه دوم ۵۷۲۵۰ افغانی، اراضی ساحه حوزه دوم در خوشحال خان مینه نه لک و بیست هفت هزارهفتصد سی هشت افغانی، ساحه خواجه بغرا که هنوز اسناد آن به داوطلبی داده نشده است».

اقدامات دولت برای از میان بردن مشکلات

احمد نذیر رضایی رییس تصدی ملی بس می‌گوید: در حال حاضر این تصدی قادر به رفع مشکلات مالی اش نیست و به استثنای هندوستان که آماده است یک هزار بس جدید را به افغانستان کمک کند و ۵۰ انجینر این تصدی را آموزش دهد، هیچ‌کشور دیگری آماده نیست تا ترانسپورت زمینی افغانستان را کمک کند.

وقتی از رییس تصدی ملی بس می‌پرسم که چرا دولت این تصدی را کمک نمی‌کند، می‌گوید: «تا حال فرصت مساعد نشده تا در این راستا دولت، تصدی ملی بس را کمک کند و با تقرر وزیر جدید وزارت ترانسپورت این مشکل رفع خواهد شد».

در همین حال، رمضان شفق رییس پلان و پالیسی وزارت ترانسپورت می‌گوید: «به منظور رفع مشکلات تصدی ملی بس باید به سکتور خصوصی سهم داده شود. مشارکت سکتور خصوصی در چارچوب تصدی ملی بس می‌تواند». آقای شفق می‌گوید: «چون سیاست اقتصادی افغانستان اقتصاد مارکیت است باید بزرگترین بخش عملیاتی به سکتور خصوصی داده شود که در این مورد وزارت ترانسپورت با مسوولان ارشد حکومت وحدت ملی نشست می‌کنند».

نتیجه گیری:

با توجه به افزایش جمعیت در شهرهای مهم کشور به ویژه شهر کابل نیاز جدی به ترانسپورت شهری دیده می‌شود. بر اساس تخمین ریاست تصدی ملی بس، افغانستان به بیش از چهار هزار بس شهری نیاز دارد؛ اما، به دلیل سهل‌انگاری مسوولان در این تصدی، وزارت ترانسپورت و عدم پیگیری پرونده‌های متهمان به اختلاس و فساد در این تصدی، مشکلات این اداره زیاد شده و مشکلات زیادی را به مردم بار آورده است.

دیر ماندند پرونده متهمان در دادستانی کل و عدم موجودیت برنامه سالم و موثر به منظور رفع مشکلات، تصدی ملی بس را ناتوان ساخته است.

بخش دوم و پایانی

بخش سی‌ام

پایان بازی



بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به‌زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد. این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای آمار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت‌شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش‌آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود. قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارائه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

هر گروهی که می‌جنگد، نیاز به جنگ‌افزار، مهمات، حمایت‌های لوژستیک و مالی و خدمات صحنی و ترانسپورتی و ... دارد. حالا اگر تصور کنیم که گروه‌های تروریستی یاده شده در شمال افغانستان پایگاه‌هایی برای خود خواهند ساخت، از دو حال خارج نخواهد بود: نخست این‌که باید حمایت دولت افغانستان یا نیروهای امریکایی را با خود داشته باشند تا بتوانند فعالیت‌هایی در کشورهای خود انجام دهند. هرچند این گزینه تا حد زیادی مردود به نظر می‌رسد، ولی اگر به فرض محال، آن را بپذیریم، در این صورت این‌ها نخواهند توانست تهدیدی علیه امنیت افغانستان باشند. حالت دوم این است که چون این گروه‌ها دیگر از حمایت پاکستان یا حداقل از داشتن پایگاه‌های امن در خاک پاکستان محروم شده‌اند، خواسته یا ناخواسته باید پاکستان را



انواع شخصیت‌ها را

این‌گونه راضی نگه دارید

- ۱- تیپ‌های تحلیلیگر می‌خواهند بدانند که پروژه ارزشمند است یا نه و آیا فعالیت آن‌ها تفاوتی در رسیدن به موفقیت ایجاد می‌کند؟ آن‌ها به رهبری نیاز دارند که در زمانی خاص، برتری داشته باشند و می‌خواهند بدانند کدام تخصص می‌تواند روی گروه‌ها تأثیر بگذارد. آن‌ها ترجیح می‌دهند که متناسب با سهم‌شان پاداش بگیرند. اما اگر زمان زیادی را صرف انجام کار کرده باشند و شما به همه گروه پاداش داده باشید، انتظار نداشته باشید که آن‌ها خوشحال باشند.
- ۲- کسانی که به ذات ساختاری هستند، می‌خواهند بدانند که فعالیت‌شان به رشد شرکت کمک می‌کند یا نه. آن‌ها رهبری را می‌خواهند که ساختاری، رقابت‌جو و مسلط به جزئیات باشد. دوست دارند پاداشی که به آن‌ها داده می‌شود، متناسب با کاری باشد که انجام داده‌اند. یک ایمیل ترغیب‌کننده برای ارتباط گرفتن با آن‌ها می‌تواند مناسب باشد.
- ۳- افراد اجتماعی می‌خواهند احساس کنند که از نظر اجتماعی ارزشمند هستند و این همان چیزی است که روی انجام پروژه تأثیر می‌گذارد. آن‌ها چندین راه را می‌روند که ثابت کنند توانایی‌های‌شان واقعی است. آن‌ها تمایل دارند که به‌خاطر رفتاری که دارند، پاداش بگیرند. اگر ترجیح شما در ارتباطات با آدم‌ها، نوشتاری است، دست‌نوشته‌یی به این کارمندان بفرستید.
- ۴- فرد مبدع باید دلیل ایجاد یک نوآوری به‌خصوص در شرکت را احساس کند. برای آن‌ها ظاهر یک مدیر، بیش از شخصیت او دارای اهمیت است. آن‌ها ترجیح می‌دهند که با چیزی غیرمعمول و خیالی پاداش داده شوند و ممکن است احساس کنند که غیرمعمول بودن و رازآمیزی، شیرین هم باشد.
- ۵- کارمندان ساکت، نیاز چندانی به هیاهو برای تشویق شدن ندارند، بلکه انگیزه پیدا کردن در خفا و جایی خصوصی را ترجیح می‌دهند.
- ۶- افراد پُرهیاهو زمانی انگیزه پیدا می‌کنند که وظایف‌شان تشریح شده و راهی باز برای انجام این وظایف فراهم شده باشد. آن‌ها دوست دارند در اجتماع با جاه و تشریفات شناخته شوند.
- ۷- افراد صلح‌طلب و آشتی‌جو امیدوارند که بتوانند به همین روش ادامه دهند، آن‌ها نیازی به پاداش یا شناخته شدن ندارند و بسته‌گی به شما دارد که بخواهید به آن‌ها پاداش بدهید یا نه.
- ۸- سخت‌کوشان، اندیشمندان مستقلی هستند که اگر با شما هم‌عقیده باشند، انگیزه پیدا می‌کنند. آن‌ها به شما می‌گویند که چه پاداشی می‌خواهند و به هرچه که موجود باشد هم قانع هستند.
- ۹- آن دسته از اعضای تیم که در مرکز توجه هستند، باید به رهبر پروژه و خود پروژه ایمان داشته باشند؛ در غیر این صورت، انگیزه آن‌ها کم می‌شود. آن‌ها می‌خواهند بدانند که چه پاداشی را می‌توانند انتظار داشته باشند. باید به آن‌ها اطمینان دهید که به قول‌تان وفادار خواهید ماند.
- ۱۰- افراد معطف تا زمانی با تیم همراه می‌شوند که با اعتقادات و اخلاقیات‌شان هماهنگ باشد. همچنین آن‌ها اگر با مهربانی و احترام یاد شوند، بسیار خوشحال و پُرانگیزه خواهند شد. از کسانی که بین کارکنان‌تان، عملکردی ضعیف داشته‌اند، آگاه باشید. اگر چنین شخصی را دیدید، به نظر می‌رسد که باید آن‌ها را کنار بگذارید تا این‌که انگیزه دیگران کم نشود.

منبع: مجله پنجره خلاقیت

تروریستی یاد شده، شماری از گروه‌های وابسته به مافیای مواد مخدر و جنایات سازمان‌یافته، در افغانستان و پاکستان و بالاخره منطقه ما حضور دارند. حضور این گروه‌ها در این منطقه، مانند حضورشان در مناطق دیگر دنیا، یک مشکل درازمدت خواهد بود و با آنان به شیوه‌هایی که در مبارزه علیه گروه‌های مشابه در دیگر کشورها معمول است، باید مبارزه شود. با این حال، اگر طرح توسعه اقتصادی منطقه ما تا بیست سال آینده، به نتایجی که انتظار می‌رود برسد، گریزی نخواهد بود مگر این‌که برای تولید و قاچاق مواد مخدر نیز میدان‌های دیگری جست‌وجو شود (بسیاری از رقیبان امریکا و متحدینش باور دارند که تولید و قاچاق مواد مخدر از طرح‌های امریکا و متحدینش است و آنان از این تجارت سودهای کلانی می‌برند و نیاز دارند که این تجارت‌شان بالاخره در یک گوشه از دنیا دوام داشته باشد)؛ همان‌گونه که برای فعالیت‌های تروریستی، خاورمیانه به یک میدان جدید تبدیل شده است.

۴-۴ داعش:
با ظهور داعش در عراق و سوریه و گسترش فعالیت‌های آن به شماری دیگر از کشورهای خاورمیانه، این نگرانی در افغانستان و پاکستان هم ایجاد شده که ممکن است داعش ساحه نفوذش را به این کشورها هم توسعه دهد. حتماً در حال حاضر بخشی از گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان و پاکستان، تبعیت‌شان را از داعش اعلام کرده و عملاً زیر بیرق سیاه داعش به تحرکات تروریستی‌شان می‌پردازند. در برخی موارد، مقامات افغان نیز از حضور داعش در خاک افغانستان ابراز نگرانی می‌کنند و حتماً رییس‌جمهور غنی نیز به‌تازگی یکی از حملات تروریستی اخیر در شرق افغانستان (۱۸/۴/۲۰۱۵) را به داعش نسبت داده است. قبل از آن نیز برخی از مقامات دولتی، حادثه اخیر در بدخشان (۱۰/۴/۲۰۱۵) و سربریدن سربازان ارتش را کار داعش خوانده بودند، در حالی که بعداً اطلاعاتی منتشر شد که نشان می‌داد این قضیه به داعش ربطی نداشته و ناشی از زدوبندهای گروه‌های وابسته به مافیای مواد مخدر و قاچاق‌بران معادن سنگ‌های قیمتی بدخشان بوده است. تصور حاکم بر اکثریت افغانستانی‌ها این است که یکی از اهداف داعش بی‌ثبات‌سازی آسیای میانه به منظور به چالش کشیدن منافع روسیه در این کشورهاست. هواداران این طرز فکر، داعش را بیشتر یک طرح امریکایی می‌دانند و باور دارند که امریکا از این گروه در کنار بی‌ثبات ساختن شرق میانه، برای ایجاد دردهای تازه به روسیه هم استفاده می‌برد. برخی‌ها هم بدین باور هستند که حرکت داعش به سوی آسیای میانه، از آن‌جا که مردمان این کشورها از حکومت‌های‌شان ناراض هستند، زمینه‌های مساعد دارد و در واقع داعش این حرکت را به هدف گسترش خلافتی که ادعا دارد، انجام می‌دهد.

ترک بگویند و برای رسیدن به اهداف‌شان، پایگاه‌های تازه‌ای دست‌وپا کنند. در کوتاه‌مدت و با توجه به این‌که هنوز دولت افغانستان توان کنترل کامل اوضاع امنیتی در این کشور را ندارد، امکان حضور این گروه‌ها در بخش‌هایی از افغانستان متصور است؛ اما در درازمدت، این گروه‌ها نیازهای‌شان به جنگ‌افزار، مهمات، حمایت‌های لوژستیک و مالی و خدمات صحنی و ترانسپورتی را چه‌گونه می‌توانند برآورده سازند؟! پاکستان که به حمایت از این گروه‌ها ادامه نخواهد داد و حتی اگر تصور کنیم که حلقاتی در پاکستان به حمایت‌شان از این گروه‌ها ادامه می‌دهند، دسترسی به این گروه‌ها برای‌شان به‌شدت مشکل خواهد بود و بالاخره این گروه‌ها در زیر فشار نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان از بین خواهند رفت یا مجبور خواهند شد که به هر ترتیبی خود را به کشورهای‌شان برسانند و یا هم بروند در جبهات گرمی مانند خاورمیانه، به آنچه جهاد می‌خوانند، ادامه دهند.

۲-۴ جنگ‌جویان خارجی:
گروه‌هایی از اعراب که بیشتر در محور القاعده جمع استند و گروه‌های کوچک‌تری از جنگ‌جویان چچنی، برمایی و حتی شماری از شهروندان اروپایی نیز در بی‌ثباتی‌های منطقه ما نقش داشته‌اند و دارند. القاعده که در واقع ریشه در حضور اعراب در جبهات مجاهدین افغان در دهه هشتاد دارد، برای یک دوره مشخص، به یکی از عناصر بسیار جدی در این منطقه مبدل شده بود و آن سال‌های ظهور طالبان، حاکمیت طالبان الی سال‌های ۲۰۰۵ یا ۲۰۰۷ بود. در این جریان، طالبان به منابع مالی القاعده به‌شدت وابسته بودند و به این دلیل، القاعده دست بالایی در تصمیم‌گیری‌ها و طرح و اجرای پالیسی‌های طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی داشت. در این جریان، گروه‌های کوچک خارجی دیگر نیز عمدتاً در محور القاعده فعالیت داشتند و از حمایت‌های القاعده برای رسیدن به اهداف‌شان سود می‌بردند و از جانبی هم از سوی القاعده مورد استفاده قرار می‌گرفتند. حالا این گروه‌ها، بدیل بسیار قدرتمندی یافته‌اند که داعش نام دارد. از سویی هم از آن‌جا که پاکستان و افغانستان در مسیر ثبات و توسعه گام برمی‌دارند، کشورهای منطقه، ثبات منطقه‌یی را به سود خویش می‌بینند و قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه امریکا، دیگر نیازی به حضور و فعالیت این گروه‌ها در منطقه ما ندارند. این گروه‌ها باید بروند و به داعش بپیوندند، یا با گروه‌های منطقه‌یی به کشورهای دیگر منطقه بروند، یا هم در کنار آن‌هایی که تا آخر خواهند جنگید، در برابر پاکستان و افغانستان بجنگند؛ جنگی که از قبل پایان آن روشن است؛ شکست کامل!

۳-۴ گروه‌های دیگر عامل بی‌ثباتی:
این هم واضح است که در کنار گروه‌های



نوشتن دربارهٔ «غلام» - آن‌طور که برادر او اکبر، برادر من محمدنقی، و من در محافل خصوصی و خودمانی، غلام‌حسین ساعدی را صدا می‌زدیم - قاعدتا برای شخصی مثل من که سواى مسایل ادبی، در مسایل غیرادبی هم به او نزدیک بوده، باید ساده‌تر از این باشد که حتما مقدمه‌یی هم ضرورت داشته باشد؛ اما ناگهان چندین مقدمه، چندین متن و حتی چندین مؤخره، در هر زمانی که نام او بر زبان و ذهن می‌گذرد، چنان به ذهن هجوم می‌آورد که زبان قاصر می‌شود و دست بردن به قلم و کاغذ دشوارتر از هر زمان دیگر. و آدم وسوسه می‌شود که آیا فلان چیز را بگویم و از فلان چیز

ساعدی

روایت

خانم

رضا براهنی

چهل، رشدی درخشان بود. چاپ «لال‌بازی‌ها»ی او مصادف بود با اجرای لال‌بازی فقیر از او به کارگردانی و بازی جعفر والی در تلویزیون که هم متن، هم بازی و هم کارگردانی درخشان بودند. آن «ده لال‌بازی» در واقع آغاز درخشان ساعدی بود. پول چاپ «ده لال‌بازی» و «آهوان باغ» اولین مجموعه شعر مرا سیروس طاهباز تهیه کرد، و ما بعد از مدتی به او قرض‌هامان را پرداخت کردیم. این «سه تفنگدار» موقعی به هم خورد که با رفتن عنایت، سیروس از فردوسی رفت و من به فردوسی رفتم. و میانهٔ ما دو نفر سیروس و من در نیمهٔ دوم دههٔ چهل شکراب بود، و واقعا بی‌دلیل، و شاید علتش کشش عمیق سیروس به سوی گلستان بود و من هنوز با جلال به دوستی‌ام ادامه می‌دادم.

ساعدی با هر دوی ما همکاری می‌کرد. ولی او هم با «فردوسی» همکاری نداشت. اما در «جهان نو» در کنار من بود. البته هیچ‌کس نمی‌تواند ارزش کار سیروس طاهباز را در چاپ آثار نیما، در تدوین «آرش» و «دفترهای زمانه» نادیده بگیرد. ساعدی در پیش از انقلاب و پس از زندان شاه به امریکا آمد، نامه‌یی از سیروس طاهباز برایم آورد، که مرا بسیار خوشحال کرد. چهار روز پس از فرار شاه که به ایران برگشتم، سیروس در کنار برادرم محمدنقی و ساعدی در فرودگاه بودند، و عکسی که در آن روزگار روزنامهٔ اطلاعات در فرودگاه گرفت، از من و ساعدی، زیباترین عکسی است که از دو دوست گرفته شده. بعد، البته تاریخ، دیگر کاملاً معاصر است، و قضاوت ما دربارهٔ ساعدی، و موقعیتی که او دارد هنوز در حال شکل‌گیری است. مثلاً ساعدی فرزند انقلاب مشروطیت، فرزند جنگ دوم جهانی، فرزند شکل‌گیری نهضت مصدق، فرزند تحولات دههٔ چهل، فرزند انقلاب بیست و دوم بهمن، فرزند تبعید بی‌بازگشت است. در عین حال، ساعدی در تماس مستقیم با تعدادی از انقلابیون آذربایجان بود که در آن زمان هرگز معلوم نمی‌شد مجاهدند یا چریک. و ما در این مورد از یکدیگر سوالی نمی‌کردیم. صمد بهرنگی و بهروز دهقانی را اغلب در مطب دلگشا می‌دیدم - وقتی که به تهران می‌آمدند، و مطب ساعدی یک نوع درمانگاه گرفتاری‌های روشن‌فکران بود. یعنی ساعدی وجوه متناقض داشت، و

غلام‌حسین ساعدی به روایت رضا براهنی



اغلب هم نمی‌توانست تصمیم بگیرد. و آن بینابین، به نظر می‌رسید دوست داشت بیش از هر چیز دیگر کار خود را بکند، و دههٔ چهل درخشان‌ترین دوران نگارش او بود. از همه مهم‌تر به‌رغم ده‌ها گرفتاری که برای خود می‌تراشید، سه چیز یادش نمی‌رفت: سفر، اغلب به شهرهای آذربایجان، نوشتن قصه، نوشتن نمایشنامه و همکاری با کارگردان و بازیگرها. دو فیلمی هم که در آن زمان از کارهایش ساخته شد، محصول آن روابط زودجوش و تقریباً خودبه‌خودی بود که یکیش راه، «گاو»، مهرجویی کارگردانی کرد، و دیگری راه، «آرامش در حضور دیگران»، تقوایی که در آن اولی از نویسنده‌گان محمود دولت‌آبادی هم شرکت داشت، که آن موقع شهرت نویسنده‌گی نداشت، و در دومی منوچهر آتشى و محمدعلی سپانلو هم بازی می‌کردند.

و البته «گاو» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های جدید ایرانی است، و در واقع «گاو» مهرجویی و «رگبار» بیضایی، شاید دو فیلم مهم اولیهٔ ایران باشند، و هر دو با ستایش هنرشناسان جدی روبه‌رو بوده‌اند، «گاو»، البته، شهرت جهانی هم پیدا کرد. و اتفاقاً با الهام از همین موضوع بحث می‌توان به ساعدی قصه‌نویس نزدیک شد. ساعدی نثر ادبی را نه می‌شناخت و نه می‌نوشت، غرضم به صورت قراردادی ادبی، و یا متکی بر

موهای آویزانش از پشت سر، با مادر ساعدی که در زمان اسارت پسرش در زمان شاه، دق‌مرگ شده بود، عوضی گرفته بود.

روز اول انقلاب را با ساعدی بودم. از حسن‌آباد تا میدان ارک، وقتی که صدای گلوله می‌آمد، مردم می‌ایستادند و پیش می‌رفتند، و بعد گویا گفته شد که ساعت ۵ حکومت نظامی خواهد بود، و با هم رفتیم خانهٔ ساعدی، و در حدود دو ساعت بعد، جوانی که سرابدار دایمی مطب ساعدی بود، وارد شد، و دو تا تلفن گذاشت روی میز. گفت، مردم کمیتهٔ مشترک را گرفتند و من فقط دو تا تلفن برداشتم، یکی مال شما، و آن یکی هم مال دکتر. از خانهٔ ساعدی بود که من به خانم تلفن کردم، در امریکا و گفتم دولت سقوط کرد و انقلاب به پیروزی رسید. من با امیرکبیر سه کتاب چاپ کرده بودم، دو تایش ترجمه، و سومی شعر، تحت عنوان «مصیبتی زیر آفتاب». ساعدی «الغیا» را از طریق امیرکبیر چاپ کرده بود که مجله‌یی روشن‌فکری بود، اما من به او مطلب نداده بودم. و بعد همان «الغیا» را در زمان اقامتش در فرانسه چاپ کرد. پیش از آن نیز مدتی «انتقاد کتاب» نیل را سردبیری کرده بود، که گویا دوست مشترک بسیار فهمیدهٔ هر دوی ما زنده‌یاد رضا سیدحسینی به نیل معرفی کرده بود. در اوایل دههٔ چهل، زیرزمین خانهٔ من در خیابان امل پاتوق روشن‌فکری بود. در واقع خانهٔ من همان زیرزمین بود. سیروس طاهباز و ساعدی، موقعی که سیروس تازه «آرش» را شروع کرده بود، و خود ساعدی مدتی سردبیری مجلهٔ «آناهیتا» را بر عهده داشت.

بگذرم و برسم به چیز دیگری که در وسط‌های ارتباط چندساله مطرح بود، و حتماً مرگ او هم بر آن ارتباط بی‌تأثیر بوده، و یا نه، به برخی جزئیات پردازم و از زمانی بنویسم که زنده‌یاد سیروس طاهباز و من از طرف دوستان نویسنده و خانوادهٔ ساعدی مأموریت گرفتن مسجد برای ادای احترام به عزیمت او به جهان باقی در پاریس را بر عهده گرفتیم.

سیروس، با استفاده از قد بلند نسبتاً خمیده و ریش انبوه، خود را پدر ساعدی معرفی کرد و مرا به عنوان پسردایی او، رضا غنمی، و این کار چنان به ارتجال و تعجیل صورت گرفت که وقتی مسوول مسجد از وزارت‌خانهٔ مربوط اجازه می‌گرفت - خصوصاً که سیروس، پسری چهار پنج سالی بزرگ‌تر از خود را به عنوان طبیب معرفی کرده بود - نه مخاطب ما و نه دستگاه اجازه‌دهنده، بو نبردند که این دکتر ساعدی، هر چند طبیب بود، امکان داشت همان ساعدی باشد که به‌رغم ستایش مقامات از فلم «گاو»، نوشتهٔ او، به کارگردانی داریوش مهرجویی، از ایران، قاچاقی خارج شده و در پاریس به سبب شیرین شدن زیاده از حد در مهاجرت، میهمان چند قدمی مارسل پروست از یک‌سو، و صادق هدایت از سوی دیگر در گورستان معروف «پرلاشز» پاریس بوده باشد، البته به صورت زیرزمینی، و من همین چند سال پیش بازیگران نمایشنامهٔ اقتباسی از رمان کوتاهم، «لیلیت» را با کارگردان و دستیار کارگردان سر خاک او جمع کردم و چند دقیقه‌یی ذهن و گوش آن‌ها را متمرکز غلامی کردم که صد ارباب باید در برابر استخوان‌هایش در زیر خاک دست به سینه می‌ایستادند. و همان آقا که از مقامات مربوط استفاده کرده، اجازه گرفته بود، یک بار در مجلس عزاداری در مسجد، به من که دم در ایستاده بودم، نزدیک شد و گفت باید واقعا طبیب بزرگی بوده باشد که این همه آدم را به مسجد کشانده، خدا رحمتش کند، تخصص ایشان چه بود! و من انگشتم را گذاشتم روی شقیقه‌ام و او گفت، مغز! مغز! عجب! عجب! خدا رحمتش کند!

و همو یک بار هم توجه مرا به سمت چپ در ورودی مسجد، به جای خصوصی‌تری جلب کرد و گفت، آقا از شما خواهش می‌کنم شما کاری بکنید که مادر مرحوم بلند شوند و بروند بالا پیش خانم‌ها، برای من مسوولیت دارد. و من نگاه کردم، در روز عزاداری نزدیک‌ترین دوست، قاعدتا آدم خنده‌اش نباید بگیرد، و برای این‌که سر و ته قضیه را هم بیاورد، به روی خود نیاوردم. خنده را با لبخندی مهار کردم، و فقط دست او را گرفتم که اجازه بدهید شما را به مادر ایشان هم معرفی کنم، چون کسی که پشتش به ما می‌زد طره‌های مویز از پشت سر روی گردنش ریخته بود و گاهی دست صاحب موها، کمی شتاب‌زده و عصبی، بالا می‌رفت و موها را مرتب می‌کرد. و من، همان‌طور که دست آن آقا را گرفته بودم، به جمع نزدیک شدم و اخوان ثالث را به او معرفی کردم. هرگز اشتباهی به آن زیبایی، آن‌هم موقع عزاداری برای یک دوست، یا برای دیگری در حضور من پیش نیامده بود. مسوول مسجد، اخوان را به سبب طره‌های

زبان ادبی است. در واقع این نثر از تأثیرپذیری عادی است. و در واقع با ابتدایات نگارش سر و کار دارد. بیشتر شبیه نثر همینگوی که به‌رغم داشتن ریتمی خاص در توصیف طبیعت آغشته بود به درونی‌های شخصیت‌ها، عاری از صنایع بیان غیرعادی است. اما آن ریتم هست. در ساعدی آن ریتم به حداقل می‌رسد. موضوع خود «گاو» هم «مسخ» کافکا را به یاد می‌آورد، هم «کرگدن» بونسکو را، ولی بومی‌تری در آن هست که به‌طور کلی با نگارش شهری منطبق نیست. «عزاداران بیل» را همان‌طور که می‌نوشت، تلفنی برای من می‌خواند، نه همه‌اش را بلکه قطعاتی را که دم دستش بود. و به طور کلی می‌توان گفت که جزو اولین آثار منطبق با صورت نوعی «قطعه‌قطعه‌نویسی» در زبان فارسی است. پیچ و مهره‌های شخصیتی، فلسفی و روانشناختی در اثر، انگار از دور به هم چفت و بست می‌شوند. بیان‌های زبانی، مقطع، ناگهانی و تعجب‌آور است، هرچند اعجاب‌انگیز نیست. یعنی از سطح بیان عادی، کمی به سوی بالا خیز برمی‌دارد، ولی سبک‌پذیری را در همان سطح زبان عادی روستایی نگه می‌دارد. ترس ساعدی از نثری که پاراگراف آن مثلاً به طول سه صفحه باشد، در این اثر به چشم می‌خورد. و ساعدی به کلی بدون تکیه بر ادبیات گذشتهٔ فارسی قصه را می‌نویسد و بیشتر، اگر با او زیاد حشر و نشر می‌داشتید، می‌دیدید که سبک نوشته‌اش بیشتر شبیه حرف زدنِ ترکی یا فارسی اوست.

و طبیعی است که جزو اولین نمونه‌های قطعه‌قطعه‌نویسی در زبان فارسی است. ساعدی بعداً این حالت را در آثار دیگر تکرار می‌کند. اما شاید «عزاداران بیل» بهترین کتابی است که در قصه از ساعدی به جا مانده. این اثر کاملاً با اثری مثل «شازده احتجاب» که چندسالی بعد از آن نوشته شده فرق می‌کند. گلشیری نثر کلاسیک را نسبتاً خوب می‌شناسد، اما تصورش از شکل رمان هرگز روشن نیست. فارغ کردن زبان از زبان ادبی باید برای قصه‌نویس متکی بر کلاسیسیسم زبان، در جهان معاصر به صورت یک اصل پذیرفته می‌شد. و گلشیری فکر می‌کرد که چون سبک دارد، پس باید سبک را بنویسد، نه رمان را و آدم‌ها «ادبی» هستند، اما اصل «ادبیات» را که عبارت است از دادن نقش به زبان بر حسب موقعیت شخصیت، و مجموع موقعیت‌های یک شخصیت در برابر مجموع موقعیت‌های شخصیت‌های دیگر، نمی‌توانست و یا اصرار داشت نتواند در زبان، به عنوان درون عمل آن شخصیت جا دهد. به همین دلیل ضروری است گفتن این نکته که «عزاداران بیل» با هر چیز دیگری در آن نیمهٔ اول دههٔ پنجاه، و حتی در نیمهٔ دوم متفاوت است. و روایت آن با روایت هر کتاب دیگری در حوال و حوش زمانی و تاریخی آن کتاب متفاوت است. مثلاً در نثر همان دوره مثل نثر بعضی قصه‌های ابراهیم گلستان زبان خیز برمی‌دارد به طرف نوعی وزن، که بعدها هم در قصه‌های دیگر هم ادامه می‌یابد. ممکن است بگویم ساعدی توان، سواد و یا تسلط آن را ندارد که زبان را به‌صورت دیگری به کار گیرد. اما تکلف موزون نثر گلستان همیشه به صورت ترمز عمل می‌کند. هر کسی که شیوه‌یی دارد، کمی هم شبیه به آن شیوه است، به‌ویژه در حرف زدن.

ساعدی با کبر به موضوعش نگاه نمی‌کند. کبر گلستان در نثر همهٔ شخصیت‌ها را شبیه یک رمه به جلو می‌راند، و وزن مدام ترمز می‌گیرد، اگرچه هر اثری قطعات درخشان دارد، اما مشکل می‌توان گفت که گلستان قصه‌نویسی جدی است، یعنی کوشش برای زور زدن در راه نگارش از نوع خاص که در آن حتماً یک سبک فراموش‌نشده‌یی از خود باقی بگذارد، دمار از روزگار روایتی که باید در هر قصه باقی بماند، درمی‌آورد. «عزاداران بیل» اما نزدیک است به دلیل نثر، دور است به دلیل قطعه‌قطعه شدن، و به طور کلی با نثرهای «خوب» مدیر مدرسه، و تنگسیر و پیش از آن‌ها با «حاجی‌آقا»ی هدایت، و «اسو شون» سیمین دانشور و «شازده احتجاب» متفاوت است. در این تردیدی نیست که با «بوف کور» هم فرق می‌کند. و البته به کلی متفاوت است با «سنگ صبورا»، که در آن هر آدم زبان خاص خود را دارد، و چوبک از نظر تقلید شیوه‌های گفتار «بی‌همتا»ست، حتا اگر کمی در ساختن زبان شخصیت‌ها راه اغراق رفته باشد. در «عزاداران بیل» ذهنیت حاکم بر قصه با متلاشی شدن و متلاشی کردنِ روایت سر و کار دارد، و قصه فرق می‌کند با آثار روایی دیگری که در آن ذهن نویسندهٔ روشن‌فکر عمداً شیوه‌یی را انتخاب می‌کند که به ظاهر مدرن است، و حتا واقعا مدرن است. در این رمان، اصل روایت در تلاشی، در تکه تکه شدن، در «از خودبیگانگی»های غیرمستمر و ریش ریش پیش می‌رود. در واقع این رمان با بهترین آثار ساعدی نمایشنامه‌نویس برابری می‌کند. آن قطع و وصل‌های نابه‌هنگام در نمایشنامه‌ها، آن آدم‌هایی که ناگهان وارد و خارج می‌شوند، آن زبان شکسته‌سته و یا به ظاهر شکسته‌سته، و آن لال‌بازی‌ها که همه فراموش‌ناشدنی هستند. وقتی همهٔ این‌ها را خواننده از ذهن خود می‌گذراند، حسی از ناتمامی به او دست می‌دهد. مثل این است که آدم همیشه، بخشی از یک چیز طولانی را می‌خواند که قرار است سرانجام در جایی یک نوع نتیجهٔ غایی و پایانی رو شود، و نمی‌شود. و آیا این ناتمامی در واقع نوعی جهان‌بینی قضوی نیست که تقریباً بر همهٔ قصه‌های کوتاه، رمان‌ها و نمایشنامه‌های او حاکم است؟ ساعدی برادر من، غلام، یک عاشق.

امضای سند همکاری‌ها میان کابل و دوشنبه

وزرای خارجه افغانستان و تاجیکستان در زمینه‌های مختلف سند همکاری امضا کردند.

احمد شکیب مستغنی سخنگوی وزارت خارجه در یک نشست خبری در کابل اظهار داشت که این سند در حاشیه سفر داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی کشور به تاجیکستان به امضا رسیده است.

آقای مستغنی تصریح نمود: «پرتوکول همکاری‌ها میان وزارت‌های امور خارجه افغانستان و تاجیکستان که در سال ۲۰۰۵ به امضا رسیده بود و میعاد اعتبار آن به پایان رسیده؛ دیروز میان وزرای خارجه دو کشور با حضور داکتر عبدالله و قاهر رسول زاده نخست وزیر تاجیکستان مجدداً به امضا رسید.»

به گفته وی، این پروتوکول دربرگیرنده مسایل مختلف از جمله، مبارزه مشترک با تهدیدهای امنیتی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر می باشد.



او افزود: «بر بنیاد این پروتوکول، دو کشور در سطوح مختلف دیپلماتیک تا سطح وزاری امور خارجه به منظور هماهنگی و همکاری بیشتر در تطبیق همه جانبه‌های برنامه‌های دارای اولویت در روابط دوجانبه»

کندز با فاجعه انسانی...

بسیاری افغان‌ها چنین فکر می‌کنند که بعد از ۱۳ سال جنگ در باتلاق ناامیدی افتاده و مردم ملکی به صورت فزاینده در میان نیروهای حکومتی و جنگجویان طالبان گیر می‌مانند.

جورجیت گانگون، مسوول بخش حقوق بشر دفتر نماینده‌گی سازمان ملل متحد در کابل می‌گوید: «پیامد این منازعه به مراتب بیشتر از جان دادن و زخمی شدن مخوف مردم ملکی است. خشونت‌های مرتبط با منازعه همچنین خانواده‌های افغان را به دلیل آوارگی، از دست دادن منبع معیشتی، تخریب خانه‌ها و دیگر صدمه‌ها ویران می‌کند.»

گروه طالبان تهاجم بهاری امسال خود را در اواخر اپریل با یک سلسله حملات شدید در ولایت کندز شروع کرد و جنگجویان این گروه خود را به نزدیکی‌های شهر کندز رساندند. همچنین تلفات ملکی نیز در ولسوالی‌های درگیر جنگ افزایش یافته است.

از شروع این جنگ ۲۲۵ زخمی به مرکز سازمان خیریه داکتران بدون مرز در شهر کندز مراجعه کرده‌اند که دو برابر تعداد زخمیان در همین دوره زمانی در سال گذشته است. بسیاری این افراد که بر اثر اصابت گلوله یا انفجار زخم برداشته‌اند، از مناطق دورافتاده خود را به شهر کندز رسانده‌اند.

اتاق‌های زخمیان در مرکز داکتران بدون مرز، که آکنده از بوی مواد ضدعفونی می‌باشد، صحنه قصه‌های دردناک است. یک مرد می‌گوید در زمان مراقبت از مواشی هدف گلوله قرار گرفته است؛ یک جوان ۱۴ ساله دیگر مواد انفجار نشده را گرفته بود و در دست‌اش منفجر گردید؛ و یک کودک ۳ ساله زمانی زخمی شد که راکت به خانه آنها اصابت کرد و پدرش را کشت.

سازمان داکتران بدون مرز می‌گوید که در همان روز پنج زخمی جنگی به این مرکز مراجعه کردند و برخی روزها تا ۳۵ زخمی نیز به این مرکز می‌رسند. البته برخی از آن‌هایی که در مناطق جنگی گیر مانده‌اند فرصت رسیدن به این مرکز را ندارند.

برنامه غذایی جهان برآورد می‌کند که در نتیجه تهاجم طالبان در ولایت کندز بیش از ۳۷۰۰ خانواده آواره شده‌اند و این خانواده‌ها آسیب پذیر بوده و به کمک‌های عاجل نیاز دارند.

در بیرون مرکز توزیع کمک غذایی جهان در شهر کندز، زنان در حالی که چادری‌های آبی رنگ به تن دارند ساعت‌ها در زیر آفتاب سوزان انتظار می‌کشند تا جیره غذایی به شمول آرد، روغن و بسکویت به دست بیاورند.

به گفته ملل متحد، بیش از ۱۸ هزار خانواده در کندز درخواست کمک کرده‌اند اما تا حالا به حدود نیمی از این درخواست‌ها رسیدگی شده است و دلیل آن نیز قسماً «محدودیت در دسترسی» به مناطق جنگ زده است.

نیروهای امنیتی افغانستان در جبهات چندگانه با طالبان درگیر اند و در این فصل جنگی شماری از جنگجویان از کشورهای آسیای مرکزی نیز در کنار طالبان می‌جنگند. ناظران در محل از عدم هماهنگی کافی میان نیروهای دولتی، ملیشه‌های حامی دولت و پولیس محلی شکایت دارند.

سرتاج عزیز:

د طالبانو ملاتړ مو بس کړی دی

د پاکستان د لومړي وزير نواز شريف د بهرنيو اړيكو او د ملي امنيت سلاكار سرتاج عزيز وايي، هېواد يې د طالبانو له پسرلنيو عملياتو سره مخالف او د طالبانو ملاتړ يې بس كړی دی

د پاکستان د لومړي وزير نواز شريف د بهرنيو اړيكو او د ملي امنيت سلاكار سرتاج عزيز وايي، هېواد يې د طالبانو له پسرلنيو عملياتو سره مخالف او د طالبانو ملاتړ يې بس كړی دی. افغان طالبانو ته روزنه نه ورکوي. زموږ پاليسي حتي مخکې تر دې چې د اشرف غني حکومت جوړ شي بدله شوې وه. موږ دا کار (د طالبانو له ملاتړه لاس اخيستل) د خپل ځان لپاره وکړ. حقيقت دا دی کله چې پخوانی ولسمشر حامد کرزی پاکستان ته راغی، ما ورته وويل چې پاکستان دوی (طالبانو) ته تريننگ نه ورکوي، کرزی په دې خوښ ښکاره شو.

د جمهور آژانس د خبر له مخې عزيز دغه څرگندونې د افغانستان او پاکستان د ديالوگ غونډه کې چې په اسلام اباد کې د سيمه ييزې سولې د انستيتيوت او په دغه ښار کې د هنس سيدال فونډېشن په ملاتړ د ستراتيژيکو مطالعاتو د افغان انستيتيوت له لوري په گډه جوړه شوه کړې دي.

د دوه اړخيز ديالوگ د غونډې په پای کې نوموړي وويل: «پاکستان د افغانستان د پرمختگ شريک دی. دا خبره چې له پاکستانه وحشت د افغانانو د ملي کلتور برخه گرځېدلی، ځورونکي ده، موږ ته پکار ده چې په دې اړه سروې وکړو څو وليدل شي چې ايا دا خبره رښتيا ده. زه فکر کوم چې د پاکستان فوبيا (وحشت) د ځينو

د دوه اړخيز ديالوگ د غونډې په پای کې نوموړي وويل: «پاکستان د افغانستان د پرمختگ شريک دی. دا خبره چې له پاکستانه وحشت د افغانانو د ملي کلتور برخه گرځېدلی، ځورونکي ده، موږ ته پکار ده چې په دې اړه سروې وکړو څو وليدل شي چې ايا دا خبره رښتيا ده. زه فکر کوم چې د پاکستان فوبيا (وحشت) د ځينو کسانو له لوري مطرح شوې خو حقيقت نه ده.»

سرتاج عزيز تاکيد وکاوه چې د پاکستان پاليسي عملاً بدله شوې، نن د پاکستان پوځ له ولسمشر غني سره خبرې کوي، د پوځ لوی درستيز پنځه ځلي کابل ته لاړ چې دا له پخوا سره مخه ښه وه او دا معنا لري چې تېر هېر شول.

ده وويل گڼو هېوادونو په دې برخه کې همکاري نه ده کړې خو چين همکاري کوي. بايد ټول هېوادونه يو بل ته لاس ورکړي. يو اسلامي هېواد هم د طالبانو ملاتړ نه کوي. سرتاج عزيز د عراق په پرتله په افغانستان کې د انتقال پروسه خورا ښه وبلله، ويې ويل: «که د افغانستان او عراق د انتقال پروسې سره پرتله کړو. توپير يې له ورايه ښکاري. په افغانستان کې د انتخاباتو له ستونزو سره سره، نه نظام ونړېد نه کوم سيستم گډوډ شو.»

د پاکستان د صدراعظم سلاکار په افغانستان کې د جگړې د پای ته رسېدو لپاره د افغانانو له لوري د پرمختيايي پروژو د طرحه کېدو وړانديز وکړ، ويې ويل چې لوېديځ مرستندويان د افغانستان پروژې تمویلوي.

جمهور آژانس: کابل

دومین مورد از ابتلای گروهی

دختران بامیانی به «بیماری ناشناخته»

منابع محلی در ولسوالی پنجاب ولایت بامیان در مرکز افغانستان گفته‌اند که ۲۷ دختر دانش‌آموز به یک بیماری ناشناخته مبتلا شده‌اند.

رستم علی پناهی، ولسوال پنجاب به بی‌بی‌سی گفت که این دختران در منطقه‌ای موسوم به "پای بوم" صبح امروز به صورت هم‌زمان مبتلا شدند.

دکتر ابوذر متقی، رئیس بیمارستان پنجاب به بی‌بی‌سی گفت که این دختران در بیمارستان بستری شده‌اند و وضعیت سلامت آن‌ها در حال حاضر خوب است.

آقای متقی افزود که هنوز نتیجه خاصی از تحقیق درباره این بیماری به دست نیامده، ولی احتمال "مسمومیت" را در مورد این دانش‌آموزان رد نمی‌کند.

این دومین بار است که از ابتلای دانش‌آموزان دختر در ظرف چهار روز در پنجاب گزارش می‌شود.

روز شنبه (۱۶ جوزا/خرداد) ۴۱ نفر از دانش‌آموزان مکتب دخترانه مرکز پنجاب به این بیماری مبتلا شدند.

شاگردانی که به این بیماری مبتلا شده‌اند و والدین آن‌ها به بی‌بی‌سی گفته‌اند که احتمال می‌دهند که بیماری آنها مسمومیت باشد، چرا که بیماران پیش از ابتلا به آن "نوعی بو" حس کرده بودند.

اما آنگونه که آقای پناهی گفت، تحقیقات نهادهای امنیتی، بهداشتی و آزمایشگاهی به صورت واضح مسمومیت دانش‌آموزان را نه تایید می‌کند و نه رد.

ولسوال پنجاب افزود که او خواستار تحقیقات بیشتری شده تا تیمی که توانایی فنی و تخصصی بیشتری داشته باشد از بامیان یا کابل به منطقه اعزام شود تا در این مورد تحقیق کند.

ولسوالی پنجاب چهار سال پیش هم شاهد ابتلای گروهی دختران به این بیماری بود. علاوه بر آن، در شماری دیگر از ولایت‌های افغانستان از ابتلا به این بیماری گزارش شده بود.

در بیشتر خبرها از این بیماری به عنوان "مسمومیت" نام برده شده بود.

خبرنگاری پژوهشی را...

به روزنامه ماندگار گفت: «خبرنگاری تحقیقی به عنوان یکی از هنرهای غالب در ژورنالیسم جهان، نیاز است تا در افغانستان هم مطرح و روی آن کارهای زیادی صورت گیرد.»

آقای فقیرزاده هم‌چنان گفت: ما در نظر داریم تا با آموزش خبرنگاران جوان افغانستان آنان را با شیوه‌های جدید گزارش‌گری تحقیقی آشنا سازیم.

اسدالله آریا استاد دانشگاه و آموزش‌گر این کارگاه نیز

پس از مشورت‌ها ریسی...

جدی به منافع ملی افغانستان، در پایان مشورت‌ها و اجماع عمومی، رییس امنیت ملی افغانستان این سند را امضا خواهد کرد.

رییس جمهور غنی در این سفر همچنان گفت که برای تحقق اصلاحات گسترده، نیاز به بهبود در تشکیل و ظرفیت ادارات است.

پس از ده روز دیگر مجلس...

امنیتی رای تایید دهند.

بحران عدم مشروعیت پس از اول سرطان، برخی نماینده‌گان مجلس را نیز نگران کرده است.

اما برخی دیگر اعضای مجلس نماینده‌گان ضمن تاکید در برگزاری انتخابات، ادامه کار این مجلس را قانونی می‌دانند. روز دوشنبه عبدالرئوف ابراهیمی رییس مجلس نماینده‌گان نیز تاکید کرد که به هیچ صورت، مشروعیت مجلس را به نهاد دیگری واگذار نمی‌کند.

آقای ابراهیمی تاکید ورزید که مجلس مشروعیت خود را از آرای مردم افغانستان گرفته است و تا زمانی که انتخابات پارلمانی برگزار نشود، حاضر نیست این مشروعیت را به نهاد دیگری بسپارد.

هر چند از دیر زمانی به این سو، مجلسین شورای ملی در برگزاری انتخابات پارلمانی به وقت و زمانش و یا هم اعلام تاریخ مشخص انتخابات تاکید دارند؛ اما حکومت تاهنوز در این مورد واکنشی نشان نداده است.

ظرفیت خبرنگاران را بالا می‌برد.

آقای طینین می‌افزاید: در سال‌های پسین، گزارش‌های تحقیقی اندکی در افغانستان تولید شده که با توجه به وضعیت افغانستان نیاز احساس می‌شود تا در این بخش کارهای زیادی صورت گیرد.

مسوولان در دفتر میدیوتیک هم‌چنان می‌گویند که آنان در نظر دارند تا در آینده این دوره‌های آموزشی را در ولایات افغانستان نیز برگزار کنند.

صحبت کرد.

مقام‌های محلی کندهار با ارایه توضیحات در مورد اوضاع امنیتی آن ولایت گفتند که از جمع ۱۷ ولسوالی کندهار، ۱۰ ولسوالی با تهدیدات جدی مواجه است.

پس از ایجاد حکومت وحدت ملی افغانستان این نخستین سفر رییس جمهور غنی به ولایت کندهار است.

می‌گوید: «خبرنگاری تحقیقی پرده از کارهای پنهانی نهادهایی بر می‌دارد که به نحوی در فساد دست دارند و از قدرت استفاده سوء کرده‌اند.»

این استاد دانشگاه می‌افزاید: خبرنگاری تحقیقی می‌تواند چهره‌های خاین را بنمایاند و نیاز است تا در این زمینه خبرنگاران زیادی آموزش ببینند و در زمینه کارهای درخور انجام دهند.

هم‌چنان، نعمت‌الله طینین یکی از اشتراک‌کننده‌گان این دوره آموزشی می‌گوید: برگزاری چنین کارگاه‌هایی برای جامعه خبرنگاری افغانستان یک نیاز است و

رییس جمهور غنی همچنان افزود که برای تحقق اصلاحات باید روی معیارها صحبت شود، نه افراد.

او درباره اهمیت ولایت کندهار گفت: کندهار قلب ثبات افغانستان است و بدون ثبات در کندهار، افغانستان نمی‌تواند صاحب ثبات شود.

محمد اشرف غنی که دیروز برای سفر یک روزه به کندهار رفته بود، در دیدار با افسران و سربازان قول اردوی ۲۰۵ کندهار در مورد مسایل امنیتی با آنان



فیفا:

میزبانی جام جهانی روسیه و قطر تغییر نمی کند



فدراسیون بین المللی فوتبال آب پاکی را روی دست مخالفان خود ریخت و در بیانیه ای تاکید کرد میزبانان جام های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ تغییر نمی کنند.

پس از اتفاقات تلخی که در چند ماه گذشته در راس فدراسیون بین المللی فوتبال رخ داد که موجب استعفا سب بلاتر شد، بسیاری از مخالفان فیفا صحبت هایی مبنی بر تغییر میزبانان جام های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ را به زبان آوردند که با مخالفت صریح فیفا روبه رو شد.

فدراسیون بین المللی فوتبال با انتشار بیانیه ای درباره میزبانی جام های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ گفت: میزبانی جام های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ تغییر نمی کند. تنها در صورتی موافق رای گیری مجدد برای میزبانی جام های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ هستیم که مدارک کافی مبنی بر خرید رای برای این دو میزبانی وجود داشته باشد.

در ادامه این بیانیه آمده است: روسیه و قطر به صورت دموکراتیک توانستند میزبانی جام های جهانی را کسب کنند و هیچ مشکلی بر سر راه آنها برای کسب میزبانی نبوده است. کمیته اجرایی فیفا به دقت پروسه میزبانی را زیر نظر گرفته بود و هیچ گونه مشکلی بر سر میزبانی این دو رویداد مشاهده نشده است. بنابراین میزبانی از روسیه و قطر پس گرفته نمی شود.

مقام های روس و قطری نیز هرگونه کار خلاف قانون در راه کسب میزبانی جام جهانی را رد کردند. انگلیس در راه میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ در کنار اسپانیا - پرتغال، و هلند - بلژیک مغلوب روسیه شد و کشورهای آمریکا و استرالیا و کره جنوبی و ژاپن نیز در راه کسب جام جهانی ۲۰۲۲ ناکام بودند.

استقبال از ژاوی در فرودگاه بین المللی دوحه

هافبک پرافتخار بارسلونا به منظور پیوستن به تیم فوتبال السد وارد دوحه قطر شد. ژاوی هرئاندرس پس از تصاحب سه گانه قهرمانی اسپانیا و اروپا با بارسلونا همانطور که قبلاً اعلام کرده از بارسلونا جدا و باامداد روز سه شنبه به همراه همسرش وارد فرودگاه بین المللی حمد دوحه شد تا پس از ۲۴ سال بازی برای آبی واناری پوشان کاتالونیا فوتبال خود را در تیم السد قطر دنبال کند. جاسم الرمیجی، دبیرکل باشگاه ورزشی السد و تنی چند از نمایندگان این باشگاه با حضور در فرودگاه از هافبک پیشین بارسلونا استقبال کردند. هواداران این تیم هم در فرودگاه حمد حضور پیدا و از هافبک جدید خود استقبال گرمی کردند. در این بین بازار عکس و امضای یادگاری هم که داغ بود. ژاوی که با قراردادی دو ساله و قابلیت تمدید یک ساله به السد پیوسته قرار است در این تیم در نقش بازیکن - مربی فعالیت کند. وی همچنین در آکادمی اسپایر و به عنوان سفیر قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ هم فعالیت خواهد کرد.

باشگاه السد با انتشار بیانیه ای اعلام کرده است، طبق برنامه ریزی صورت گرفته، ژاوی سه شنبه (دیروز) تست های پزشکی خود را در آکادمی اسپایر انجام می دهد. و روز پنجشنبه با حضور در کنفرانس خبری به طور رسمی به هواداران و رسانه ها معرفی می شود.



رییس بارسلونا:

آلوس زودتر تکلیفش را روشن کند

ژوزه ماریا بارتومئو از مدافع برزیلی تیمش درخواست کرد هر چه زودتر تکلیف خود را برای فصل بعد مشخص کند.

دنی آلوس، مدافع برزیلی بارسلونا از مدت ها قبل مورد توجه چند تیم قرار داشت. این مدافع برزیلی بلافاصله پس از قهرمانی با بارسلونا در لیگ قهرمانان اروپا از علاقه خود به بازی در میلان ایتالیا خبر داد که با واکنش رییس باشگاه بارسلونا روبه رو شده است.

ژوزه ماریا بارتومئو رییس باشگاه بارسلونا درباره شرایط این مدافع برزیلی گفت: آلوس هر چه زودتر تکلیف خود را مشخص کند. او هنوز با باشگاه قرارداد دارد و ما می دانیم که او از چند تیم پیشنهاد دریافت کرده است. ما نمی توانیم به جای او تصمیم بگیریم و خود او باید تکلیفش را مشخص کند.

بارتومئو ادامه داد: او باید تصمیم خود را زودتر بگیرد و به ما اعلام کند. اگر آلوس قصد ندارد بماند باید این موضوع را به ما اعلام کند تا به دنبال جانشینی برای او باشیم.

نام آلوس در یک هفته گذشته با تیم های منچستر یونایتد، میلان و پاری سن ژرمن پیوند خورده است.

واکنش تمسخر آمیز فیگو به سخنان مارادونا

ستاره سابق تیم ملی فوتبال پرتغال واکنشی تمسخر آمیز به سخنان مارادونا داشت و تاکید کرد که بهتر است اسطوره فوتبال آرژانتین سکوت اختیار کند. دیگو آرماندو مارادونا در اظهار نظری جالب گفت که اگر شاهزاده علی بن حسین اردنی به عنوان ریاست فیفا انتخاب شود او این شانس را دارد که نایب رئیس فیفا شود.

این سخنان مارادونا بسیاری را شگفت زده کرد و در این میان نیز بعضی هستند که سخنان اسطوره فوتبال آرژانتین را تمسخر آمیز می دانند که یکی از آنها لوئیس فیگو پرتغالی است.

فیگو که خود یکی از نامزدهای کسب ریاست فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) بود، این گونه به سخنان مارادونا واکنش نشا داد: بعضی از افراد هستند که وقتی سکوت می کنند به شاعر تبدیل می شوند اما بعضی دیگر تنها زمانی که خواب باشند می توانند برای جامعه مفید باشند.

اشاره فیگو به این است که مارادونا بهتر است که خواب باشد تا چنین سخنانی را بر زبان نیاورد. او در ادامه سخنان خود به ستایش از مارادونا به عنوان یک بازیکن پرداخت و گفت: من اصلاً با سخنان مارادونا موافق نیستم. مارادونا بازیکن بسیار بزرگی است. من دوست دارم همین صورت از مارادونا در ذهنم باقی بماند نه مارادونا دیگری.

اسطوره فوتبال آرژانتین هم در واکنش به سخنان فیگو گفت: من به فیگو احترام می گذارم اما این دلیل نمی شود که حرف های او را قبول داشته باشم. مارادونا از مخالفان سرسخت بلاتر بود و دوست داشت که شاهزاده اردنی در این انتخابات به پیروزی برسد. او بارها سخنانی را در تایید بن حسین و رد بلاتر بر زبان آورد و معلوم شد که او چرا می خواهد از بن حسین حمایت کند.



ارزشمندترین بازیکنان فوتبال جهان



پایگاه آماری CIES فهرست ارزشمندترین بازیکنان فوتبال جهان را منتشر کرد. پایگاه اطلاعاتی مربوط به اتحادیه فوتبال اروپا CIES در جدیدترین آمار خود فهرست ۲۰ بازیکن ارزشمند فوتبال جهان را مشخص کرد که در این فهرست نام لیونل مسی، ستاره آرژانتینی بارسلونا در صدر قرار دارد. پس از این بازیکن ادن هازارد و کریستیانو رونالدو در رده های دوم و سوم قرار گرفتند.

این مرکز که هر چند ماه یک بار به بررسی آماری فوتبال جهان می پردازد، ارزشمندترین بازیکنان جهان را بر طبق فاکتورهایی مشخص اعلام کرده است. نکته جالب این است که قیمت لیونل مسی با بازیکن بعدی این فهرست دو برابر است. فهرست ۱۰ بازیکن ارزشمند فوتبال جهان به شرح زیر است:

- ۱- لیونل مسی، بارسلونا/ ۲۲۵ میلیون یورو
- ۲- ادن هازارد، چلسی/ ۱۳۵ میلیون یورو
- ۳- کریستیانو رونالدو، رئال مادرید/ ۱۳۵ میلیون یورو
- ۴- نیمار، بارسلونا/ ۸۹ میلیون یورو
- ۵- سرخیو آگوئرو، منچستر سیتی/ ۷۸ میلیون یورو
- ۶- رحیم استرلینگ، لیورپول/ ۷۳ میلیون یورو
- ۷- پل گوگبا، یونتوس/ ۷۰ میلیون یورو
- ۸- دیگو کاستا، چلسی/ ۶۹ میلیون یورو
- ۹- آلکسیس سانچس، آرسنال/ ۶۷ میلیون یورو
- ۱۰- خامس رودریگس، رئال مادرید/ ۶۲ میلیون یورو

در فهرست ۲۰ نفره نام سه بازیکن از بارسلونا، پنج بازیکن از رئال مادرید، پنج بازیکن از چلسی و هفت بازیکن از تیم های آرسنال، لیورپول، منچستر سیتی و تاتنهام به چشم می خورد. توانایی و مهارت های فردی، مدت قرارداد، سن بازیکنان، عناوین به دست آمده و باشگاه های بازیکنان در این رتبه بندی تاثیر گذار بوده است.

واکنش سخت کامرون به اظهارات وزیر دفاع امریکا:

احمقانه است که ما را رو به زوال بخوانند



اما کامرون گفت: ما رو به زوال نیستیم انگلیس بازیکن اصلی در صحنه جهانی است و ما با یک روش مناسب کار خود را انجام می‌دهیم.

نخست‌وزیر انگلیس در نشست گروه هفت در آلمان از موضع خود درباره هزینه‌های نظامی کشورش دفاع کرد و طرح عقب‌نشینی کشورش از عرصه جهانی را «احمقانه» خواند.

به نوشته روزنامه دیلی میل، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس از ادعاهای دیپلمات‌های آمریکایی درباره این مساله که شرایط دفاعی انگلیس رو به زوال است، انتقاد کرد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا شخصاً در نشست گروه هفت در باواریا، آلمان درباره مساله کاهش هزینه‌های دفاعی انگلیس با کامرون گفت‌وگو کرد. اوباما به کامرون یادآوری کرد که وی متعهد شده بود تا دو درصد از تولید ناخالص داخلی را برای هزینه‌های دفاعی اختصاص دهد.

کامرون گفت: ما با ناوهای خود به نجات جان مهاجران در مدیترانه می‌پردازیم، ارتش عراق را آموزش می‌دهیم. جنگنده‌های ما بر فراز بالتیک پروازهای نظارتی انجام می‌دهند، زیردریایی‌های ما به آرامی از دریاها حفاظت می‌کنند بنابراین کاهش حضور ما در عرصه بین‌الملل و افول دفاع انگلیس در جهان حرفی احمقانه است.

اشتون کارتر، وزیر دفاع امریکا گفته بود که انگلیس در حال کناره‌گیری از عرصه جهانی در زمینه دفاعی است و اگر بودجه دفاعی خود را کاهش دهد، توانایی خود را برای رویارویی با مشکلات از دست می‌دهد.

اوباما:

هنوز راهبرد کاملی برای کمک به عراق در مقابل داعش نداریم

هفت در آلمان گفت: همه این‌ها قابل پیشگیری نیست اما در صورت همکاری بهتر دیگران، کار اطلاعاتی بهتر و هماهنگی بهتر و در صورت نظارت موثر بر آن چه در مرز ترکیه و سوریه روی می‌دهد از بسیاری از این‌ها می‌شود جلوگیری کرد.

اوباما افزود: قطع جریان ورود جنگجویان خارجی موجب انزوا و تضعیف نیروهای داعش خواهد شد زیرا ما بسیاری از آنها را از میدان نبرد حذف کرده‌ایم اما اگر آنها تجدید قوا کنند، مشکل در درازمدت نیز حل نمی‌شود.

اوباما گفت: این یکی از مواردی است که ما از مقامات ترکیه که این مساله را به عنوان یک مشکل قلمداد می‌کنند همکاری عمیق‌تری می‌خواهیم اما آنها ظرفیتی که لازم است را کامل ارائه نکرده‌اند و این مساله‌ای است که به نظر من باید زمان زیادی درباره آن صرف شود.

رئیس‌جمهوری امریکا تصریح کرد، یک مساله مهم دیگر برخی از نیروهای عراقی هستند که برای جنگیدن آمادگی ندارند. وی گفت: لذا ما خواستار آن هستیم که تعداد بیشتری از نیروهای امنیتی عراق آموزش دیده و آماده و مجهز و متمرکز باشند و عبادی هم همین را می‌خواهد. اوباما با این حال افزود طرف عراقی باید تعهدات بیشتری درباره نحوه استخدام نیرو و نحوه انجام آموزش ارایه کند.

اوباما افزود: امریکا به تقویت و آموزش نیروهای عراقی و قرار دادن تجهیزات لازم در اختیار آنها و همچنین کمک به آنها ادامه خواهد داد تا نیروهای عراقی بتوانند عملیات علیه شورشیان را گسترش دهند و در این عملیات به منظور دفاع این کشور موفق شوند.

وی خاطر نشان کرد: در گفت‌وگوها با سران کشورهای عضو گروه هفت و دیگر شرکای امریکا در ائتلاف اطمینان داده شد کمک به دولت عراق برای موفقیت در این روند ادامه یابد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، حیدر العبادی نیز در این دیدار گفت: من از اوباما، گروه هفت و ائتلاف بین‌المللی علیه گروه داعش برای ایستادن در کنار دولت عراق برای مقابله با این گروه تروریستی قدردانی می‌کنم.

وی افزود: ما در عراق در نقاط مختلف در حال جنگ با داعش هستیم. ما در شهر الرمادی با شکست روبرو شدیم اما این شکست موقتی است و نیروهای امنیتی عراقی به همراه نیروهای بسیج مردمی تحت رهبری ارتش و دولت عراق اکنون کنترل اوضاع را به دست گرفته‌اند و قادر خواهند بود همه نقاط از دست رفته را آزاد کنند.

نخست‌وزیر عراق تصریح کرد: ما موفق شده‌ایم نقاط زیادی را که داعش کنترل آن‌ها را به دست گرفته بود، آزاد کنیم.



رئیس‌جمهوری امریکا گفت که کشورش هنوز راهبرد کاملی برای کمک به دولت عراق در بازپس‌گیری مناطق اشغال شده توسط گروه تروریستی داعش ندارد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا اعلام کرد که پنتاگون در حال بازخوانی روش‌های کمک به دولت عراق برای آموزش و تجهیز نیروهایش است، اما عراقی‌ها باید خود نیز در این مسیر تلاش کافی انجام بدهند.

رئیس‌جمهوری امریکا تاکید کرد که سه هزار معلم‌دهنده نظامی آمریکایی در عراق حضور دارند اما برخی اوقات، تعداد عراقی‌هایی که برای آموزش به نزد آنها فرستاده می‌شوند کمتر از «ظرفیت آموزشی» این معلم‌دهندگان است.

اوباما با تاکید بر فقدان یک «استراتژی کامل» از جانب امریکا در عراق، گفت که تدوین این استراتژی نیازمند همکاری کامل عراقی‌ها در مورد شیوه جذب نیرو برای ارتش و نیز نحوه آموزش این نیروها است.

وی در عین حال اعلام کرد، کاملاً مطمئن است که در صورت حمایت ائتلاف ضد داعش از دولت عراق و حضور نمایندگان گروه‌های جمعیتی مختلف در دولت، داعش از این کشور بیرون رانده می‌شود.

به گزارش شبکه خبری بی‌بی‌سی، رئیس‌جمهوری امریکا گفت، هزاران تروریست خارجی همچنان در حال ورود به سوریه هستند و باید تلاش‌های بیشتری برای توقف ورود آنها خصوصاً از مرز ترکیه صورت گیرد.

اوباما در دیدار با حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق در حاشیه نشست کشورهای گروه

روسیه همکاری استراتژیک با چین و هند را ارتقا می‌بخشد

مشترک در اقدامات مربوط به بازگشایی بازار مشترک و ایجاد یکپارچگی منطقه‌ای در آسیا - اقیانوسیه تاکید کرد.

در ادامه این گزارش آمده است: «سازمان همکاری شانگهای» که متشکل از روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان است در روند تقویت ثبات و امنیت در آسیا - اقیانوسیه نقش مهمی ایفا می‌کند.

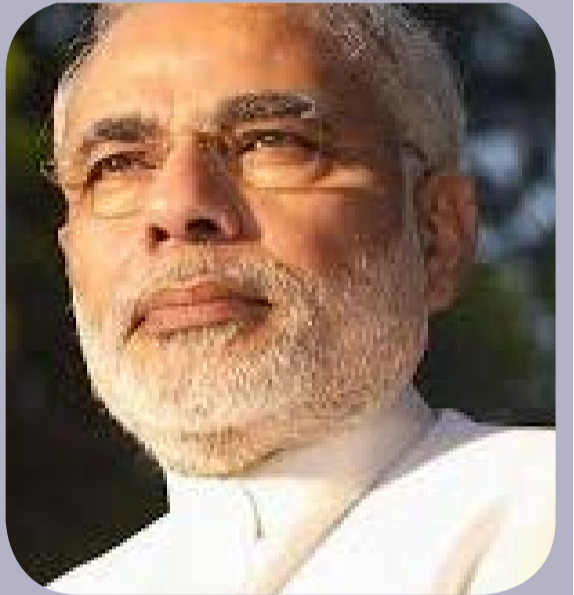
مرحله‌ای جدید در همکاری جامع استراتژیک و همکاری میان روسیه و چین است. وزارت امور خارجه روسیه تاکید کرد: همکاری استراتژیک با هند نیز به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. کره جنوبی، چین و منطقه آسیا - اقیانوسیه نیز جزء مناطقی هستند که باید توجه به آنها افزایش یابد.

این وزارتخانه بر شفاف‌سازی، برابری و منافع

وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد، مسکو به عنوان بخشی از اهداف میان‌دوره‌ای همکاری‌های استراتژیک با چین و هند را ارتقا می‌بخشد. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، وزارت امور خارجه روسیه در گزارشی در خصوص نتیجه اقدامات دیپلماتیک سال ۲۰۱۴ میلادی و اهداف میان‌دوره‌ای گفت: بسط و گستردن زمینه بین‌المللی نیازمند تلاش‌های مداوم برای تحکیم و ایجاد

درگیری‌های دیپلماتیک هند

و پاکستان در بنگلادش شدت یافت



در حالی که اتهامات مقامات دهلی‌نو و اسلام‌آباد همواره ادامه دارد، نخست‌وزیر هند در سفر به بنگلادش گفته که کشورش به «داکا» برای جدایی از پاکستان کمک کرده است.

نخست‌وزیر هند در سفر به داکا پس از امضای ۲۲ توافقنامه همکاری در بخش‌های مختلف، گفت که کشورش در استقلال بنگلادش از پاکستان نقش داشته است.

روزنامه اکسپرس تریبون پاکستان در این باره نوشت که با وجود رایزنی‌های اواخر شب گذشته، سیاستمداران این کشور تاکنون نتوانسته‌اند به اتهامات نخست‌وزیر هند علیه اسلام‌آباد واکنشی نشان دهند و رئیس کمیته پارلمان پاکستان در امور خارجی اظهارات مودی را تنها محکوم کرده است.

نخست‌وزیر هند روز گذشته در گفت‌وگو با دانشجویان در «داکا» علاوه بر اتهام گسترش تروریسم به پاکستان اظهار داشت که این کشور در جدایی بنگلادش از پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی نقش داشته است.

بر اساس گزارش‌ها، وزارت امور خارجه پاکستان تلاش می‌کند که در واکنشی کنترل شده پاسخ مناسبی به اظهارات نخست‌وزیر هند دهد.

سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و امور بین‌الملل نخست‌وزیر پاکستان در این باره گفت: اسلام‌آباد به زودی پاسخ مناسبی به اظهارات مودی خواهد داد.

اسلام‌آباد همچنین در مورد پاسخ مناسب به اقدام «حسینه واجد» نخست‌وزیر بنگلادش مبنی بر ارائه عکسی تاریخی از تسلیم شدن ۹۳ هزار پاکستانی در داکا در سال ۱۹۷۱ میلادی به نخست‌وزیر هند، می‌اندیشد.

درحالی که دولت پاکستان بدنال یافتن پاسخ مناسب است، «اویس لغاری» رئیس کمیته پارلمان این کشور در امور خارجی، اظهارات نخست‌وزیر هند در مورد شکست پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی را محکوم کرد.

وی گفت: اظهارات نخست‌وزیر هند نشان می‌دهد این کشور به دنبال سیاست شکست کشورهای دیگر در گذشته بوده و چنین سیاستی را تاکنون ادامه داده است.

رئیس کمیته پارلمان پاکستان در امور خارجی تاکید کرد: وزارت امور خارجه پاکستان باید این مورد را با جامعه جهانی در میان بگذارد و همچنین سفیر هند را نیز برای اعتراض در این خصوص احضار کند.

نخست‌وزیر هند درحالی درگیری لفظی با پاکستان را ادامه می‌دهد که هر دو کشور همسایه دارای سلاح هسته‌ای هستند. مقامات هند و پاکستان از دو هفته گذشته اتهام عملیات تروریستی علیه یکدیگر را شدت داده‌اند.

دولت اسلام‌آباد سازمان اطلاعات هند «RAW» را متهم به گسترش عملیات تروریستی در پاکستان می‌کند و هند نیز اتهام در مورد عدم پیگرد قانونی علیه عاملان حمله بمبئی در سال ۲۰۰۸ میلادی را همواره مطرح کرده است.